

## راهبرد هسته‌ای ایران در دوره پهلوی دوم از منظر واقع‌گرایی

سید حسام‌الدین یاسینی<sup>۱</sup>

الناز نیک‌سرشت<sup>۲</sup>

### چکیده

افزایش قیمت نفت در سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳، به ثبات سیاسی کشور و دورنمای جایگاه ایران در خاورمیانه منجر شد تا رژیم وقت ایران بهره‌برداری از تکنولوژی هسته‌ای برای تولید برق هسته‌ای را به صورت جدی در دستور کار قرار دهد. این مهم با توجه به چشم‌اندازهای توسعه‌ای ایران، ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسید و حتی آمریکا هم آن را توصیه می‌کرد. اما همزمانی این تصمیم با آزمایش اتمی هند، تردیدها را در خصوص ثبات واقعی شاه در باب برنامه هسته‌ای بیشتر برمی‌انگیزاند و این پرسش به ذهن می‌رسد که آیا تنها دلایل توسعه‌ای، شاه ایران را به سوی صنعت هسته‌ای سوق داد؟ آیا رویکرد شاه بعد از احساس قدرت از طریق افزایش بهای نفت در منطقه تغییر کرده بود و او تثبیت سلطه منطقه‌ای خود را در دستیابی به سلاح هسته‌ای و در پی آن، ایجاد بازدارندگی هسته‌ای می‌پنداشت؟ برای پاسخ به دو پرسش اساسی پژوهش، ناگزیر می‌باید مقدمات تاریخی را در نظر بگیریم: تاریخچه تفکر هسته‌ای در ایران، رابطه صنعت هسته‌ای و سیاست‌های توسعه‌ای ایران، نگاه غرب و به ویژه آمریکا در باب صنعت هسته‌ای ایران و تأثیر دیگر عوامل مانند نفت و بحران نفتی دهه ۷۰ م. عوامل بین‌المللی و حتی عوامل روانشناختی شخص شاه. به نظر می‌رسد که حاکمیت پهلوی، دست کم در پی ایجاد نوعی بازدارندگی هسته‌ای از طریق دستیابی به بمب یا رسیدن به نقطه غیرقابل بازگشت، یعنی آستانه تولید بمب و نه لزوماً تولید آن، در میان‌مدت بود.

### • واژگان کلیدی

ایران، پهلوی دوم، انرژی هسته‌ای، واقع‌گرایی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۱۷

"بدین‌وسیله از جناب آقای دکتر علی‌اصغر سلطانی که متقبل داور مقاله حاضر گشتند، قدرانی به عمل می‌آید." سردبیر مجله تاریخ روابط خارجی

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران) Seyedhesam.yasini@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران) El.nikseresht@gmail.com

### ۱. مقدمه و طرح مسأله

"انرژی هسته‌ای"، "ایران هسته‌ای"، "سیاست هسته‌ای" و عبارتهایی از این قبیل، بیش از یک دهه است که نه تنها ادبیات سیاسی کشور، بلکه بی‌گزار همه شئون اجتماعی ۱۰ ساله اخیر را تحت تأثیر قرار داده است. هنگامی که نام جمهوری اسلامی ایران در سال‌های آغاز دهه ۸۰ شمسی نخستین بار به صورت جدی با موضوع هسته‌ای گره خورد، شاید کمتر کسی گمان می‌کرد حجم وسیع و فزاینده‌ای از نیروهای مادی و معنوی کشور را به سمت حفظ دستاوردهای صنعت هسته‌ای سرازیر سازد.

آنچه امروز از آن به عنوان "صنعت هسته‌ای" یاد می‌کنیم، محصول تفکری است که اساس آن پیش از انقلاب پایه‌ریزی شد؛ تفکری که به هر تقدیر پس از انقلاب و در سال‌های اخیر، به گواه موافقان و مخالفان رشد و بالندگی شتابان داشته است. پژوهش حاضر به این موضوع می‌پردازد که چرا محمدرضا پهلوی به سوی دستیابی به انرژی هسته‌ای رفت. کوشش شده است در چارچوب نظریه واقع‌گرایی تهاجمی مسأله توسعه برنامه هسته‌ای ایران در دوره محمدرضا شاه بررسی و تحلیل شود. اساساً دلایل محمدرضا پهلوی برای حرکت به سوی صنعت هسته‌ای چه بود؟ از آنجا که این صنعت اساساً در اختیار تنها چند کشور غربی بوده و آمریکا در رأس متحدان شاه قرار داشته است، پرسش دوم در باره سودای اتمی شاه مطرح می‌شود: رویکرد آمریکا و غرب در مسأله هسته‌ای شدن ایران، رویکرد تعاملی بود یا تقابلی، یا رویکردی مبتنی بر مهار و کنترل؟ برای پاسخ، نخست به بحث در باب استراتژی واقع‌گرایی تهاجمی خواهیم پرداخت و زوایای آن را بررسی خواهیم کرد. سپس با

استناد به عناصر تاریخی، ضمن بررسی اجمالی تاریخچه صنعت هسته‌ای در ایران، بحث را در دو بخش و از دو منظر پیش خواهیم برد. در بخش اول به رویکرد شاه به مسأله هسته‌ای خواهیم پرداخت؛ با بررسی دلایل اقتصادی و سیاسی و بخش دوم به رویکرد آمریکا و غرب به مقوله صنعت هسته‌ای در ایران اختصاص خواهد داشت و برخی قراردادهای هسته‌ای دوجانبه ایران با این کشورها مطالعه و بررسی می‌شود. در بخش سوم با توجه به پرسش اصلی پژوهش، می‌کوشیم دیدگاه شاه را در باب موضوع هسته‌ای آشکار کنیم.

در زمینه دو پرسش بالا، دو فرضیه نیز بررسی خواهد شد:

#### فرضیه اول

با توجه به نظریه واقع‌گرایی تهاجمی و نگرانی شخص شاه از به هم خوردن موازنه قدرت در منطقه، ایران برای کسب قدرت بیشتر به سمت صنعت هسته‌ای و تفکر ساخت بمب گرایش می‌یابد.

#### فرضیه دوم

نیروگاه‌های هسته‌ای برای کشورهای غربی و آمریکا جذابیت اقتصادی داشت و از آنجا که ایران هم‌پیمان مهم آمریکا در منطقه حادثه‌خیز خاورمیانه بود، آمریکا سیاست فعالیت هسته‌ای توأم با مهار را در پیش می‌گیرد.

## ۲. رهیافت نظری: نظریه واقع‌گرایی تهاجمی

واقع‌گرایی تهاجمی شاخه‌ای از مکتب واقع‌گرایی است که مانند واقع‌گرایی کلاسیک مؤلفه‌هایی چون قدرت، امنیت، دولت، آنارشی و قدرت‌های بزرگ دارد.

پیروان این مکتب بر این باورند که قدرت‌های بزرگ سیاست‌های بین‌الملل را شکل می‌دهند و در تأثیرگذاری بر نظام بین‌المللی، برون دادهای قدرت‌های بزرگ تعیین‌کننده‌اند (کامل، ۱۳۸۳).

طبق نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، کشورها در عرصه سیاست خارجی در پی افزایش قدرت نسبی خود در صحنه بین‌المللی هستند. بر طبق این نظریه، ماهیت آنارشیک نظام بین‌الملل موجب می‌شود تا کشورها در عرصه سیاست خارجی همواره در پی افزایش قدرت نسبی خود باشند و در این روند، می‌کوشند قدرت رقیبان را کاهش دهند (همان).

به نظر مرشایمر از مدافعان عمده نظریه واقع‌گرایی، در نظام بین‌الملل، دولت‌ها به سه دلیل از یکدیگر بیمناک‌اند: نخست، فقدان اقتداری مرکزی که بالای سر دولت‌ها، از آنها در مقابل یکدیگر حمایت کند. دوم، این واقعیت که دولت‌ها اغلب دارای توانایی و ظرفیت نظامی تهاجمی هستند و سوم، این واقعیت که دولت‌ها هرگز نمی‌توانند از نیات هم آگاه باشند (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۳). از دیدگاه وی، به سبب این ترس، دولت‌ها در می‌یابند که هر چه نسبت به رقیبان قدرتمندتر باشند، بخت بقای بیشتری دارند. بنابراین، گرچه قدرت‌های بزرگ دلیلی برای جنگیدن با یکدیگر ندارند، اما نگران بقای خود هستند و راهی جز این ندارند که در پی کسب قدرت و تسلط بر دیگر دولت‌های درون نظام بین‌الملل باشند. بر این اساس، آنها در وضعیت تهاجم بالقوه علیه یکدیگر قرار دارند (همان).

فرضیه‌های مفروضات نظریه واقع‌گرایی تهاجمی را می‌توان در پنج اصل مطرح کرد: نخست آنکه نظام بین‌الملل "آنارشیک" است. "آنارشی" خود اصلی نظم‌دهنده

است و بنا بر آن، نظام بین‌الملل متشکل از دولت‌های مستقلی است که از هیچ‌گونه اقتدار مرکزی پیروی نمی‌کنند. دوم؛ قدرت‌های بزرگ ذاتاً دارای حدی از قابلیت‌های نظامی تهاجمی‌اند که به آنها برای صدمه زدن و احیاناً انهدام یکدیگر توان می‌دهد. سوم؛ که دولت‌ها هرگز نمی‌توانند از بابت نیات دولت‌های دیگر مطمئن باشند. چهارم؛ اصلی‌ترین هدف قدرت‌های بزرگ تضمین بقاست و این مهم، جز با در اختیار داشتن منابع قدرت محقق نخواهد شد. پنجم؛ قدرت‌های بزرگ بازیگرانی عاقل‌اند و برای بقای خود در این محیط، رفتار مناسب در پیش می‌گیرند (همان: ۳۶ - ۳۴).

#### ۲.۱. الگوهای عمومی رفتار قدرت‌های بزرگ

به نظر واقع‌گرایان تهاجمی، به سبب فرض‌های مذکور سه نوع الگوی رفتار عمومی و فراگیر در میان همه قدرت‌ها یا دیگر دولت‌ها ایجاد می‌شود (کامل، ۱۳۸۳).

#### ۱. الگوهای رفتاری مبتنی بر ترس

قدرت‌های بزرگ به سبب اعتماد اندک نسبت به هم، از یکدیگر می‌ترسند و نگران وقوع جنگ میان یکدیگرند و در نتیجه، برای پیشگیری از خطرها اقدام می‌کنند. از این دیدگاه، هر یک از قدرت‌های بزرگ دشمن بالقوه دیگری است. از نظر رئالیست‌های تهاجمی، اساس این ترس بر این اصل قرار دارد: در جهانی که قدرت‌های بزرگ می‌توانند به یکدیگر حمله کنند یا ممکن است چنین انگیزه‌ای داشته باشند، هر دولت خواهان بقا، می‌باید از یک سو، کمترین بدگمانی و سوءظن را نسبت به دیگر دولت‌ها داشته و از سوی دیگر، از اعتماد به آنها نیز اکراه داشته باشد.

رقابت قدرت‌های بزرگ در عرصه سیاست بین‌الملل، همچون رقابت‌های اقتصادی نیست، زیرا رقابت سیاسی از رقابت‌های اقتصادی بسیار خطرناک‌تر است و می‌تواند به جنگ ختم شود (همان).

## ۲. الگوی رفتاری مبتنی بر خودیاری

"تضمین بقا" هدف اصلی دولت‌ها در نظام بین‌الملل است؛ زیرا دولت‌ها علیه یکدیگر تهدیدهای بالقوه‌اند؛ به ویژه در شرایطی که اقتدار والاتری برای تأمین امنیت دولت‌ها به هنگام خطر وجود ندارد. بدین ترتیب، دولت‌ها نمی‌توانند برای امنیت خود به دیگران وابسته باشند و هر دولتی به تنهایی آسیب‌پذیر خواهد بود و هدف آن دولت فراهم آوردن امنیت برای خویش است. در سیاست‌های بین‌المللی، خداوند به کسانی یاری می‌رساند که آنان نیز به خود یاری رسانند. دولت‌هایی که برای حمایت از خود فعالیت می‌کنند، تقریباً همیشه با منافع خود انطباق دارند و در پی پیوند منافع خود به منافع دیگر دولت‌ها نیستند، زیرا "خودخواهی" اصلی ضروری برای خودیاری است (همان).

## ۳. الگوی رفتاری رساندن قدرت به حداکثر

با درک اهداف نهایی دیگر دولت‌ها و آگاهی از اینکه آنها بر اساس "خودیاری" فعالیت می‌کنند، دولت‌ها به این نکته پی می‌برند که افزایش پی در پی قدرت، بهترین روش برای تأمین بقاست. اگر دولتی قدرتمندتر از رقبای بالقوه باشد، احتمال حمله رقا و تهدید بقای وی بسیار اندک خواهد بود. دولت‌های ضعیف‌تر به مبارزه با

دولت قدرتمندتر تمایل نخواهند داشت، زیرا که در این صورت، باید هزینه‌های شکست نظامی را متحمل شوند. از این رو، فاصله بیشتر دو دولت از نظر قدرت، موجب می‌شود که دولت ضعیف‌تر نیتی برای حمله به دولت قوی‌تر نداشته باشد، اما بهترین حالت، زمانی است که دولت، قدرت هم‌مون باشد. از نظر رئالیست‌های تهاجمی، دولت‌ها به چگونگی توزیع قدرت میان خود توجه خاص دارند. بنابراین، سخت می‌کوشند تا سهم خود را از قدرت جهانی به بالاترین حد برسانند؛ به ویژه در پی فرصت‌اند تا با افزایش بیشتر قدرت در مقابل رقبای احتمالی به موازنه برسند. دولت‌ها از طیف گوناگونی از ابزارها مانند ابزارهای اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی برای تغییر موازنه قوا در جهت منافع خود بهره می‌برند، زیرا که بهره یک دولت از قدرت با شکست دولت دیگری همراه است. قدرت‌های بزرگ تمایل دارند تا در رویارویی با یکدیگر، حاصل جمع صفر باشد. حتی اگر قدرت بزرگی نسبت به رقبای خود به برتری نظامی دست یابد، همچنان تلاش برای افزایش قدرت را ادامه خواهد داد؛ از این رو، تداوم و تعقیب قدرت، تنها زمانی متوقف می‌شود که "هم‌مونی" تحقق یابد (همان).

در پژوهش حاضر از دو زاویه به موضوع هسته‌ای ایران در دوران پهلوی پرداخته‌ایم: نگاه شاه به مسئله هسته‌ای و نگاه غرب و آمریکا به این مسئله در دوران پهلوی. هر یک از نگرش‌ها را از بُعد اقتصادی و سیاسی نیز بررسی خواهیم کرد. در بخش نخست، دلایل و انگیزه‌های اقتصادی و غیراقتصادی محمدرضا پهلوی برای دستیابی به صنعت هسته‌ای بررسی خواهد شد و پس از آن به رویکرد غرب از دو زاویه سیاسی و اقتصادی می‌پردازیم.

### ۲. رویکرد محمدرضا پهلوی به مسأله هسته‌ای ایران

این موضوع را می‌توان در دو بخش اقتصادی و غیراقتصادی تبیین کرد. در بخش اقتصادی، مهمترین و غالبترین وجه حرکت پهلوی دوم به سمت صنایع هسته‌ای را می‌توان مسأله تأمین انرژی و نیازهای توسعه‌ای ایران برشمرد. در بعد غیراقتصادی نیز، جاه‌طلبی‌های شخص شاه و آرمان او برای رسیدن به جایگاه قدرت برتر در منطقه و پنجمین قدرت در جهان، با توجه به شرایط منطقه و کشورهای همسایه از مهمترین عوامل برای رسیدن به اهداف هسته‌ای بود.

#### ۳.۱. عوامل و انگیزه‌های اقتصادی

یکی از مهم‌ترین دلایل برای دستیابی به صنعت هسته‌ای، تولید انرژی و به ویژه تولید برق است. طبق آمارها، ایران به تدریج و با رشد شهرنشینی در دوره پهلوی دوم، دچار کمبود برق شد. مصباح جالینوس<sup>۱</sup> مدیر عامل برق منطقه‌ای تهران در دوم تیرماه ۱۳۴۳ در گفت و گو با یکی از نشریات داخلی در خصوص کمبود برق تهران هشدار داد. وی با اشاره به افزایش جمعیت تهران در ۱۰ سال آینده به ۳ میلیون نفر گفت: تهران بیش از ۷۰ هزار کیلووات برق ندارد و ۴۰ هزار کیلووات دیگر از سد کرج گرفته می‌شود که تابع شرایط جوی است.<sup>۲</sup>

۱- مهندس مصباح جالینوس، اولین مدیر عامل برق تهران بعد از تشکیلات وزارت نیرو بود (۱۳۴۷-۱۳۴۳ ش). وی پس از برق تهران، مدیرعامل شرکت توانیر شد. خرید نیروگاه های فرح آباد (بعثت) شهریار از جمله اقدامات وی بود.

۲- ر. ک به: <http://www.15khordad1342.com>



بعدها در آغاز دهه ۱۳۵۰، در بررسی سازمان برنامه و بودجه در باره دورنمای ۲۰ ساله اقتصادی و اجتماعی کشور، کمبود انرژی در سال ۱۳۷۱ تهدیدی برای توسعه ایران به شمار آمده بود. این کمبود از سیاست‌های نادرست کشورهای صنعتی، به ویژه استفاده یک بُعدی و نامعقول از سوخت فسیلی ارزان به عنوان اساس پیشرفت فناوری تلقی می‌شد. تا آنجا که به ایران مربوط بود، سیاست درازمدت انرژی، می‌باید کاهش چشمگیر سهم نفت در برابر استفاده از منابع آبی، گازی و هسته‌ای را در برمی‌گرفت. زغال سنگ فقط صنایع فولاد را تکافو می‌کرد. در سال ۱۳۷۱ در پایان برنامه توسعه هشتم، بنا بود ۲۲۱۰۰ مگاوات نیروی هسته‌ای تولید شده ۵/۱۵ درصد از کل انرژی مصرفی، نفت ۲/۴۴ آن و گاز ۳۵ درصد آن و آب ۳/۵ درصد آن را تأمین کند. (Afkhami, 2009: P 662).

به هر روی، کمبود انرژی با توجه به روند رشد ایران در دهه پایانی سلطنت پهلوی مسأله‌ای حیاتی بود و گاه در کنار دیگر عوامل تنش‌زا و بی‌ثبات‌کننده، در خصوص کمبود انرژی نیز هشدار داده می‌شد. به عنوان نمونه، داریوش همایون در حاشیه علل شکست حزب رستاخیز، به مسأله کمبود برق به عنوان یکی دیگر از عوامل تنش‌زا در اواخر دوره پهلوی اشاره کرده است (Afkhami, 2009: P 809 - 810).

به نظر شاه، نفت و بنزین و گاز ارزشمندتر از آن است که صرف سوختن شود و تولید برق از طریق نفت و گاز می‌باید به مرور متوقف و تأمین آن از طریق نیروگاه اتمی میسر شود و نفت گاز برای تهیه کالاهای پتروشیمی به کار رود و سالی یک رآکتور اتمی به کار گرفته شود، اما به نظر اقتصاددانان و برنامه‌ریزان، این برنامه از نظر اقتصادی توجیه نداشت (Ibid. P632-637).

همزمان با این نظرات، اتفاق دیگری نیز روی داد: افزایش پی در پی قیمت نفت در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۲ م. چندان که نفت ایران در اکتبر ۱۹۷۳ م. به چهار برابر افزایش یافت. این مسأله، رژیم وقت ایران را بیش از گذشته به سمت صنایع جدید همچون پتروشیمی و هسته‌ای ترغیب کرد. در این دوره بود که بهره‌برداری از تکنولوژی هسته‌ای برای تولید برق هسته‌ای به صورت جدی در دستور کار قرار گرفت (علیخانی صدر، ۱۳۸۸: ۷۱).

در سال ۱۹۷۴ م. بنیاد پژوهشی استنفورد آمریکا وابسته به دانشگاه استنفورد، تحقیق و ارائه چشم‌اندازی میان مدت در ابعاد اجتماعی - اقتصادی و صنعتی برای توسعه ایران را بر عهده گرفت. این بررسی که در بیست جلد ارائه شد، ایران را متکی به تولید ۲۰ هزار مگاوات برق تا سال ۱۹۹۵ و راه اساسی تولید برق را تأسیس نیروگاه هسته‌ای دانست. بر اساس این گزارش که بر مبنای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران تهیه شده بود و دولت وقت ناگزیر بود در بیست سال (۱۹۷۴ تا ۱۹۹۴ م.) برای تولید بیست هزار مگاوات برق هسته‌ای دست به هر اقدامی بزند. تولید برق هسته‌ای نقطه عطف در تحرکات وسیع برای تأمین انرژی بود. برای مدیریت این تصمیم بزرگ، تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران لازم به نظر می‌رسید. بنابراین، کلیه امکانات هسته‌ای کشور در اختیار این سازمان قرار گرفت (همان). بر مبنای اساسنامه سازمان انرژی اتمی که در ۱۶ تیرماه ۱۳۵۳ به تصویب رسید، استفاده از انرژی هسته‌ای برای تولید برق یکی از مهم‌ترین اهداف تأسیس سازمان بوده است.

سازمان انرژی اتمی ایران در ۱۳۵۳ ش. / ۱۹۷۴ م. تأسیس شد. وظیفه سازمان این بود که بر چرخه سوخت و تکمیل آن و تولید ۲۳ هزار مگاوات برق با استفاده از

نیروگاه‌های برق هسته‌ای متمرکز شود. سازمان انرژی اتمی ایران، مرکز اتمی و رآکتور تحقیقاتی ۵ مگاواتی آن را در اختیار گرفت (همان: ۹۲).

با اینکه بنا بر قانون اساسی، شاه نمی‌بایست مسئولیتی را بر عهده می‌گرفت، اما وی برای مقابله با مخالفت‌ها، در ۵۳/۵/۲۹ طی فرمانی ریاست عالی سازمان انرژی اتمی را شخصاً عهده‌دار شد<sup>۱</sup> (هفته نامه صدا، ۱۳۹۳، شماره نهم). حال آنکه بسیاری از مقامات دولت، به ویژه در صنایع نفت و گاز، ورود شتابزده ایران به رشته هسته‌ای را تأیید نمی‌کردند: فتح‌الله نفیسی یکی از مدیران شرکت ملی نفت ایران، در گزارشی رسمی علیه اقدام مخاطره آمیز ایران در باره انرژی هسته‌ای اظهار داشت: «ما گاز داریم، افرادی داریم که می‌توانند گاز را به کار گیرند، اگر هم به نیروی برق بیشتری نیاز داشته باشیم، بی‌شک می‌توانیم با استفاده از گاز به شکلی بی‌خطر و ارزان‌تر به آن دست یابیم» (Afkhani, 2009: P 642).

در پاییز سال ۵۲ ش. با افزایش بیشتر قیمت نفت، برنامه هسته‌ای نیز گسترش یافت اما در دوران کساد بازار نفت، گرچه دولت از برنامه کمک به کشورهای خارجی دست کشید، با این حال؛ طرح‌های بزرگ داخلی مثل انرژی هسته‌ای را همچنان دنبال می‌کرد. در سال ۵۶ ش. کار به جایی رسید که هزینه این طرح‌ها، امکان اجرای طرح‌های دیگر برنامه پنج ساله عمرانی را از میان برد. با این همه شاه همچنان پیگیر طرح‌های مورد علاقه خود بود و یک بار به سرپرست سازمان برنامه

۱. متن فرمان شاه خطاب به هویدا درباره مسئولیت خودش به این شرح است: «جناب آقای امیر عباس هویدا، نخست وزیر، پیرو فرمان مورخ ۱۸ اسفند ۵۲ در باره تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران بدین وسیله ابلاغ می‌نمایم که ریاست سازمان مزبور را خود ما عهده‌دار خواهیم بود به طوری که این سازمان بتواند وظایف خود را تحت نظر مستقیم ما انجام دهد. کاخ سفید سعد آباد ۲۹ مرداد ۵۳».

اطمینان داد از فشاری که این طرح به اقتصاد کشور وارد می‌کند آگاه است، اما ۱۰ سال دیگر فرصت می‌خواهد؛ پس از آن هر چه برنامه‌ریزان بگویند اجراء خواهد کرد (یادداشت‌های علم، ۱۳۸۰: ۱۰۸).

### ۳.۲. عوامل و انگیزه‌های غیراقتصادی

فارغ از انگیزه‌های اقتصادی، عوامل دیگری نیز در دل‌بستگی شاه به برنامه‌های پرهزینه هسته‌ای تأثیر داشت.

#### ۱. افزایش خیره‌کننده قیمت نفت

پس از جنگ اعراب و اسرائیل در ۱۹۷۳م. موسوم به جنگ رمضان، نمایندگان مجلس ملی کویت در تاریخ ۶ ژانویه ۱۹۷۳ به اتفاق آراء پیشنهاد کردند که نفت به عنوان اسلحه‌ای سیاسی علیه اسرائیل به کار گرفته شود؛ بنابراین، از همه کشورهای عربی خواستند تا قراردادهای فعلی خود را با شرکت‌های نفتی به عنوان اقدام علیه دشمن صهیونیستی به حالت تعلیق در آورند. با پایان تحریم در مارس ۱۹۷۴ قیمت نفت از بشکه‌ای ۳ دلار به ۱۲ دلار رسید. بحران نفتی یا "شوک" آثار کوتاه و بلند مدت چشمگیری بر سیاست و اقتصاد جهانی داشت که بعدها "شوک اول نفتی" خوانده شد.<sup>۱</sup> این نخستین بار بود که استفاده از نفت به عنوان یک سلاح رسمیت یافت و در این خصوص، کشورهایی مانند ایران که به طور مستقیم در تحریم شرکت نکرده بودند، بیشترین نفع را بردند. ایران با توجه به دگرگونی بازار توانست مقداری

۱. ر.ک. به "تحریم نفتی غرب"، منتشر شده در پایگاه اینترنتی موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی به نشانی: <http://www.ir-psri.com/Show.php?Page=ViewArticle&ArticleID=175&SP=Farsi>

نفت را به بهای بیش از ۱۷ دلار در هر بشکه به طور مستقل به فروش رساند (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۸: ۲۴۰-۲۳۹).

اما نفت چه تأثیری بر تصمیم‌های سیاسی شاه داشت؟ برکات حاصل از ذخایر عظیم نفت بر چشم‌انداز اغلب کشورهای تولیدکننده نفت تأثیری نیرومند دارد: نفیس ماهیت این کالا موجب می‌شود که تولیدکننده بلافاصله به اقتصاد جهانی وصل شود و ناگزیر با نیازها و آسیب‌پذیری‌های بزرگترین نظام‌های اقتصادی جهان، نیازهای صنعتی بین‌المللی و اقدامات دیگر تولیدکنندگان در اطراف و اکناف جهان آشنایی حاصل کند. نظر شاه در آن زمان، مبنی بر اینکه ذخایر نفت ایران حدود ۴۰ سال دیگر پایان خواهد یافت، بر احساس او در باره نحوه استفاده از این کالا سخت تأثیر می‌گذاشت. بنابراین، نظام اقتصادی می‌باید چنان ساخته می‌شد که ایران بتواند مدت‌ها پس از به پایان رسیدن این منبع ارزشمند، همچنان به بقای خود ادامه دهد. عواید حاصل از نفت که با بحران اخیر نیز به طرز شگفت‌آوری رشد کرده بود، امکان لازم برای بلندپروازی در سیاست خارجی را فراهم می‌کرد. بنابراین، نفت سکوی پرش گسترش تدریجی منافع ماورای بحار ایران در عرصه‌های هر چه دورتر بود (فولر، ۱۳۸۷: ۲۸۰).

به این ترتیب و به مدد عواید هنگفت نفت، رشد در صنایع جدید به ویژه صناعی که وجهه جهانی‌تری از ایران ارائه می‌داد، مانند پتروشیمی و هسته‌ای، علاقه محمدرضا پهلوی را برانگیخت؛ موضوعی که آمریکا نیز از آن حمایت می‌کرد.

## ۲. دورنمای جایگاه ایران در منطقه خاورمیانه

گذشته از ویژگی‌های جاه‌طلبانه شخصیت شاه که در منابع متعدد به آنها اشاره شده است، افزایش قیمت نفت پیامدهای دیگری نیز برای شخص او به دنبال داشت و آن علاقه محمدرضا پهلوی به کسب قدرت و افزایش پرستیژ خود نه تنها در محدوده جغرافیایی خاورمیانه، بلکه فراسوی محدوده خلیج فارس و اقیانوس هند بود. شاه پیش‌بینی می‌کرد که با خروج نیروهای انگلیسی و آمریکایی، ایران در امنیت این حوزه می‌باید نقش کلیدی و عمده داشته باشد. در واقع، خودیاری و ترس دو مؤلفه اصلی در جهت اتخاذ راهبردهای واقع‌گرایانه شاه محسوب می‌شد. بنابراین، او با نظر به این حوزه جغرافیایی، به تقویت بنیه‌های دفاعی پرداخت و حتی از استرالیا و سنگاپور نیز دیدن کرد. تمایل شاه به تفکر در قالب ژئواستراتژیک جهانی سبب می‌شد تا رؤسای جمهور آمریکا را نیز به توسعه پیوندهای استراتژیک نزدیک‌تر با ایران ترغیب کند. این موضوع، به ویژه با سیاست‌های کیسینجر در دهه ۱۹۷۰ م. همخوانی داشت و آمریکا بیش از هر قدرت دیگری شاه را به جهتی که خود بر عهده گرفته بود، سوق می‌داد: راه نفوذ شوروی (فولر، ۱۳۸۷: ۲۸۲-۲۸۰).

از سوی دیگر ایالات متحده برای حفظ تعادل، نه تنها در اوپک، بلکه به طور کلی در خاورمیانه به شاه متکی بود. جنگ رمضان و استفاده اعراب از نفت به عنوان سلاح سیاسی بر وزن سیاسی شاه در محاسبات مقامات آمریکا افزود. ۱۰ روز پیش از آنکه فورد، رئیس‌جمهور وقت آمریکا سخنرانی سالیانه خود را ایراد کند، شاه به مصر سفر کرد. کیسینجر از سوی رئیس‌جمهور نامه‌ای محرمانه برای شاه فرستاد تا

وضعیت مذاکرات اسرائیل و مصر و استراتژی‌های طولانی مدت خود مصر را به آگاهی شاه برساند. کیسینجر نوشت: «با توجه به اعتماد بسیار زیاد ما به اعلیحضرت» لازم است آخرین دیدگاه‌های رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه آمریکا به اطلاع شاه برسد. با توجه به اعتبار شاه در سال ۱۳۵۳ش. و ثروتی که در اختیار داشت، فورد و کیسینجر تصمیم گرفتند با او در زمینه سیاست‌های هسته‌ای همراهی کنند، هر چند که اطلاعات دقیقی از اهداف نهایی او نداشتند<sup>۱</sup> (Afkhani, 2009:P651).

### ۳. مسأله همسایگان و کوشش برای ایجاد بازدارندگی

رقابت تسلیحاتی هند و پاکستان بر نگرانی‌های شاه در باب تغییر موازنه در منطقه و آینده قدرت خود افزود. آزمایش اتمی هند در ۱۹۷۴م. این نگرانی او را تشدید کرد و درست در همین سال، کوشش شاه برای دستیابی به فناوری هسته‌ای دو چندان شد. مسأله دیگر همسایه غربی ایران بود، یعنی عراق. شاه به چند دلیل به عراق نه همچون "رقیب"، بلکه به چشم "دشمن" می‌نگریست و از بابت این همسایه سخت نگران بود. عراق نقش پررنگی در کمک به تجزیه‌طلبان و مخالفان رژیم ایران داشت. اختلافات مرزی ایران و عراق نیز که پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و تشکیل دولت عراق تشدید شده بود، بر نگرانی شاه از جانب عراق می‌افزود. با روی کار آمدن حزب بعث، نگرانی شاه از سیاست‌های توسعه طلبانه این رژیم افزایش یافت. شاه به صدام که در آن زمان به سبب ضعف احمد حسن البکر رئیس‌جمهور،

۱. برای آگاهی بیشتر از سیاست‌های فورد در برابر شاه رجوع کنید به: Nixon, Kissinger and the Shah, Roham Alvandi, Oxford, 2014

عملاً مرد شماره یک حزب بعث بود، اعتماد نداشت و بر این باور بود که صدام اگر موقعیتی به دست آورد، به ایران حمله کرده و خوزستان را ضمیمه عراق خواهد نمود. در این صورت، همه چاه‌های نفت ایران به دست عراق خواهد افتاد و ایران بدون نفت نمی‌تواند در میان کشورهای خاورمیانه سر بلند کند. بنابراین شاه همواره رژیم بعث را زیر نظر داشت (هفته نامه صدا، ۱۳۹۳، شماره نهم).

ناچیک ناووت، نماینده وقت موساد در تهران (۱۹۷۲ - ۱۹۶۹ م.) یکی از عمده‌ترین دلایل آغاز برنامه هسته‌ای را هراس شاه از رژیم بعث عراق دانسته است. ناووت در بخشی از مستند "پیش از انقلاب"<sup>۱</sup> که از یکی از شبکه‌های تلویزیونی رژیم صهیونیستی پخش شد، در مصاحبه با سازندگان این مستند، بازدارندگی در برابر عراق را عامل آغاز برنامه هسته‌ای در ایران زمان شاه دانست. وی همچنین در پاسخ به سؤال دن شودر، کارگردان و تهیه کننده این مستند در این باره که چه کشور یا کشورهایی به ایرانی‌ها یاری رساندند تا برنامه هسته‌ای خود را پیش ببرند و آیا اسرائیل نیز جزء این کشورها بود یا نه؟ پاسخی نداد (James Gibney, 2015).

۱. فیلم مستند "پیش از انقلاب" Before the Revolution به کارگردانی دن شادور در باره سال‌های آخر حکومت پهلوی در ایران و زندگی دیپلمات‌ها و وابستگان نظامی و سیاسی و امنیتی اسرائیل در ایران ساخته شده است. تصاویری که با دوربین‌های هشت میلی متری ثبت شده، از ایران پیش از انقلاب به نمایش در می‌آید و شماری از شهروندان اسرائیل که آن زمان در ایران کار و زندگی می‌کردند، از خاطرات خود می‌گویند. در فیلم، رییس دفتر موساد در تهران و یا دیپلمات‌های عالی اسرائیلی که به دربار شاه نزدیک بودند و نیز شماری از مستشاران نظامی و پیمانکاران و بازرگانان حضور دارند. یکی از شخصیت‌های این مستند در مقابل دوربین می‌گوید: «پس از جنگ شش روزه و وقتی اسرائیل در مدتی کم ۳ کشور عربی را شکست داد، شاه حساب ویژه‌ای روی اسرائیل باز کرد. اسرائیل هم دلش اتحاد و رابطه استراتژیک می‌خواست، در نتیجه دو طرف به همکاری با هم روی آوردند. سد سازی‌های پرشمار، پروژه‌های کشاورزی، محصولات و ادوات نظامی جزو مجموعه‌هایی بود که اسرائیل به طور گسترده با ایران همکاری داشت..»



#### ۴. روابط هسته‌ای ایران با کشورهای دیگر

در این بخش برخی از مهم‌ترین قراردادهای همکاری هسته‌ای میان ایران و دیگر کشورها بررسی خواهند شد و برای این منظور، روابط با هر کشور را جداگانه آورده می‌شود.

#### همکاری‌های هسته‌ای ایران و آلمان

سابقه همکاری‌های هسته‌ای ایران و آلمان به سال ۱۳۵۴ ش. / ۱۹۷۵ م. باز می‌گردد. در آن سال، در ۹ تیر موافقتنامه همکاری میان ایران و آلمان به امضاء رسید که زمینه‌ساز قرارداد ۱۳ تیر ۱۳۵۵ شد. این توافقنامه که میان سازمان انرژی اتمی ایران و وزارت تکنولوژی و تحقیقات آلمان غربی به امضاء رسید، همکاری‌های گسترده دو طرف را با هدف توسعه دانش فنی، تحقیقات هسته‌ای و استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی تضمین می‌کرد. در این توافقنامه بر طیف گسترده‌ای از همکاری‌های دو طرف در زمینه‌های "سوخت اتمی"، "امنیت و حفاظت از تأسیسات هسته‌ای و جلوگیری از تشعشعات"، آموزش کارکنان فنی و "تکنولوژی نیروی هسته‌ای" تأکید شده بود. برنامه‌ریزی و ساختمان نیروگاه‌ها و تأسیسات تحقیقات هسته‌ای، استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصدی علاوه بر تولید برق و تولید و استفاده از رادیو ایزوتوپ‌ها نیز از دیگر موارد موافقتنامه سال ۱۳۵۵ ش. بود (علیخانی صدر، ۱۳۸۸: ۹۰).

در ۱۰ تیر ۱۳۵۵ ش. دو قرار داد، یکی برای طراحی، ساخت، نصب و راه اندازی دو واحد نیروگاهی ۱۳۰۰ مگاواتی از نوع آب سبک در ۱۸ کیلومتری بوشهر و

دیگری برای تأمین سوخت هسته‌ای این نیروگاه‌ها امضاء شد. بر مبنای این قرارداد، شرکت کرافت ورک یونیون<sup>۱</sup>، طرف اصلی سازمان انرژی اتمی متعهد شد تا علاوه بر ساخت نیروگاه‌های بوشهر، تحویل سوخت اولیه و سوخت گذاری‌های مجدد برای ۳۰ سال آتی را نیز تضمین کند. بر این مبنای، پیمانکار بلافاصله اجرای موضوع قرارداد را در دستور کار خود قرار داد. بر مبنای گزارش‌های موجود تا آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، حدود ۸۰ درصد از عملیات ساختمانی و ۶۵ درصد از عملیات الکترومکانیکی واحد یک به پایان رسیده بود (همان).

تا این زمان سازمان انرژی اتمی ایران نیز بنا بر زمان‌بندی قراردادهای مبلغی بالغ بر ۵/۷ میلیارد مارک به حساب طرف آلمانی واریز کرد. پس از آن، به سبب شرایط بحرانی کشور در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، قسط سیزدهم قرارداد یعنی ۴۶۴ میلیون مارک پرداخت نشد و به همین سبب زمینه عملیات ساخت به تعلیق در آمد. طرف آلمانی، با استناد به بند هفتم از ماده ۳۰ قرارداد، در سیزدهم ژانویه ۱۹۷۹ کار را به صورت کامل به تعلیق در آورد و سرانجام در ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹ فسخ کامل و همزمان هر دو قرارداد را به صورت یک جانبه به دولت ایران اعلام کرد. طرف آلمانی همچنین توافقنامه ساخت دو واحد نیروگاه اتمی، هر یک به قدرت تقریبی ۱۲۹۰ مگاوات در اصفهان و دو واحد مشابه دیگر در ساوه را نیز مسکوت گذاشت (همان).

تا وقوع انقلاب، راکتور شماره یک بوشهر ۸۵٪ احداث و احداث راکتور شماره ۲ نیز ۶۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشت. پس از انقلاب، شرکت آلمانی زیمنس، تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر را نپذیرفت و به جای آن پیشنهاد داد طرح را با

---

1. KWU

راکتورهای گاز طبیعی تکمیل کند، که ایران مخالفت کرد. مشاجره حقوقی بر سر این طرح تا سال ۱۹۸۸م. ادامه یافت و ایران درخواست غرامت کرد. سرانجام شرکت زیمنس با حمایت کمیسیون تجارت بین‌المللی در پاریس از این ماجرای حقوقی پیروز بیرون آمد و هیچ غرامتی به ایران پرداخت نشد (همان).

### همکاری‌های ویژه هسته‌ای میان ایران و فرانسه

پیروزی والری ژیسکاردستن در انتخابات فرانسه و سفر شاه به پاریس در تیر ماه ۱۳۵۳/ ژوئن ۱۹۷۴ فرصت خوبی برای همکاری‌های هسته‌ای دو کشور پدید آورد. تأسیس سازمان انرژی اتمی در همان سال و مذاکرات دو کشور در حقیقت زمینه‌ساز انعقاد اولین توافقنامه هسته‌ای تهران- پاریس در ۶ تیر ۱۳۵۳ گردید. این قرارداد همکاری‌های ۱۵ ساله دو کشور را تضمین می‌کرد و بعدها به "موافقتنامه مادر" مشهور شد. زیرا به سبب پیش‌بینی جنبه‌های مختلف همکاری هسته‌ای دو کشور، شرکت‌ها و مؤسسات هسته‌ای ایران و فرانسه، پروتکل‌ها و موافقتنامه‌های بسیاری منعقد کردند. در این قراردادها که همگی به توافقنامه مادر در دو پایتخت ارجاع می‌شوند، سه زمینه عمده برای همکاری پیگیری شده است. نخست؛ مشارکت ایران در صنعت فرانسوی غنی‌سازی اورانیوم و در حقیقت ورود ایران به صنعت بین‌المللی چرخه سوخت. دوم؛ ساخت مرکز تحقیقات و توسعه هسته‌ای در اصفهان و سوم؛ تولید برق هسته‌ای در ایران به میزان ۵۰۰۰ مگاوات (علیخانی صدر، ۱۳۸۸: ۸۷).

در ۱۱ آبان ۱۳۵۳ میان سازمان انرژی اتمی ایران و شرکت فرانسوی فرماتوم<sup>۱</sup> توافقنامه‌ای به امضاء رسید که طبق آن، ساخت رآکتور اتمی از نوع PWR با توان تقریبی ۹۵۰ مگاوات در هر رآکتور در دارخوین اهواز تضمین می‌شد. بر این اساس، در ۲۸ شهریور ۱۳۵۶ ش. قراردادی میان سازمان انرژی اتمی و کنسرسیوم متشکل از شرکت‌های فرماتوم، الستوم آتلانتیک<sup>۲</sup>، اسپی بایتینول<sup>۳</sup> و فراماتک<sup>۴</sup> به امضاء رسید که مبلغ آن بالغ بر ۸ میلیارد فرانک بود. این قرارداد تا پایان تابستان ۱۳۵۷ ش. به صورت عادی در حال اجراء و پیشرفت بود، اما از مهر همان سال به سبب تحولات مربوط به انقلاب اسلامی، محل اختلاف شد و سرانجام در خرداد ۱۳۵۸ کنسرسیوم فرانسوی آن را فسخ کرد (همان: ۸۸).

از دیگر همکاری‌های هسته‌ای ایران و فرانسه می‌توان به ورود سازمان انرژی اتمی به شرکت اورودیف<sup>۵</sup> فرانسه برای استفاده از خدمات غنی‌سازی این شرکت کرد. هدف از این قرارداد، اعطای وام، سرمایه‌گذاری مشترک و خرید خدمات غنی‌سازی بود، تا زمینه‌های لازم برای تأمین سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای ایران و در نهایت دسترسی به چرخه بسته تولید سوخت هسته‌ای در داخل فراهم گردد. کارخانه یورودیف بزرگ‌ترین تأسیسات غنی‌سازی در جهان است که از سال ۱۹۸۰ م. برای فرانسه و دیگر کشورهای جهان اورانیوم غنی شده تولید می‌کند. مصرف برق این تأسیسات به اندازه‌ای است که فقط چهار واحد نیروگاهی، هر یک به قدرت ۹۰۰ مگاوات در کنار این کارخانه برای تأمین نیازهای برقی آن تأسیس شده است (همان).

- 
1. Farnatom
  2. Alstom atlantic
  3. Spy Batinol
  4. Framatec
  5. Eurodif

تأسیس "مراکز تحقیقات و توسعه هسته‌ای ایران" نیز از دیگر موضوعاتی بود که به صورت مشترک در دستور کار تهران-پاریس قرار گرفت. امضای پروتکلی در این زمینه در ۱۹ نوامبر ۱۹۷۴م. میان سازمان انرژی اتمی ایران و کمیساریای انرژی هسته‌ای فرانسه، پاریس را متعهد می‌کرد تا کمک‌های فنی و امکانات لازم را برای تأسیس مرکز مذکور در اصفهان فراهم آورد. در ضمیمه این پروتکل همچنین، به اصول مربوط به ساخت و تشکیلات مرکز ایرانی به صورت نسبتاً دقیق اشاره شده بود. بر اثر امضای این پروتکل، یادداشت تفاهمی میان نمایندگان دو طرف، در ۲۲ شهریور ۱۳۵۵ / ۱۲ مارس ۱۹۷۷ به امضاء رسید که شرایط و برنامه زمانی ساخت مرکز تکنولوژی اصفهان را تشریح می‌کرد (همان: ۸۹).

### همکاری‌های ویژه هسته‌ای میان ایران و انگلیس

در ۱۹۷۷م. دولت بریتانیا مذاکرات محرمانه با شاه برای ساخت ۲۰ نیروگاه هسته‌ای را آغاز کرد، مشابه طرح‌هایی که فرانسه و آلمان به ایران پیشنهاد کرده بودند. در مذاکرات مقامات ارشد بریتانیایی و رئیس وقت سازمان انرژی اتمی ایران، پیش‌بینی شد که تا پایان قرن بیستم، ایران می‌تواند با دریافت این تکنولوژی از بریتانیا، مستقل و به تنهایی سلاح هسته‌ای تولید کند. به گزارش فایننشال تایمز، بنا بر اسناد این مذاکرات، ایستادگی و بقای صنایع هسته‌ای بریتانیا، به معاملات هسته‌ای با کشورهای دیگر بستگی خواهد داشت (علیخانی صدر، ۱۳۸۸: ۸۴).

بر اساس شواهد موجود، فعالیت‌های هسته‌ای ایران در زمان محمدرضا پهلوی عملاً با دستور کار توسعه همه‌جانبه و با رویکرد غالب تولید برق هسته‌ای طراحی و

پیگیری شد. تهیه سوخت هسته‌ای و در نهایت، دستیابی به چرخه تولید سوخت به عنوان راهبردی اساسی، ذیل استراتژی توسعه روابط اقتصادی ایران و غرب قرار داشت. دولت وقت ایران علاوه بر همکاری‌های زیربنایی با ایالات متحده، تلاش‌های فراوانی را نیز برای همکاری‌های مشترک با دیگر کشورها سامان دهد. در این همکاری‌ها، فرانسه و آلمان به عنوان شرکای اصلی و دیگر کشورها نیز به عنوان شرکای مقطعی در نظر بوده‌اند. در میان دیگر شرکای هسته‌ای، بریتانیا جایگاه به نسبت پررنگ‌تر و مطمئن‌تری داشت و قرارداد سازمان انرژی اتمی با دو شرکت انگلیسی "پرزیدنت برند" و "نافکور" از این دسته همکاری‌ها بود. در این قرارداد، که در ۱۳۵۴ ش. / ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۵ م. به امضاء رسید، انگلستان فروش ۲۴۰۰ تن اورانیوم طبیعی به ایران را تضمین کرد. این قرارداد زمینه‌ساز قرارداد دیگری شد که در ۱۹۷۷ م. با هدف تبدیل اورانیوم طبیعی به UF6 میان ایران و دو شرکت "نافکور" و "BIUFL" به امضاء رسید (سازمان انرژی اتمی ایران، ۱۳۸۳).

از دیگر همکاری‌های ایران و انگلستان در زمینه هسته‌ای می‌توان به همکاری با شرکت R.T.Z و خرید بخشی از سهام تأسیسات این شرکت در نامیبیا اشاره کرد. این اقدام جزئی از کوشش‌های دولت وقت ایران برای دستیابی به اورانیوم بود و برداشت سازمان انرژی اتمی از یکی از بزرگ‌ترین معادن اورانیوم در آن زمان را تضمین می‌کرد (علیخانی صدر، ۱۳۸۸: ۸۵).

علاوه بر این، بنا بر ارسال یادداشت یکی از مقامات ارشد وزارت انرژی انگلستان به ساختمان شماره ۱۰ خیابان داونینگ استریت، به باور او دست کم تا ۱۰ سال آینده، اکبر اعتماد رئیس وقت سازمان انرژی اتمی ایران، خواهان

دریافت تکنولوژی غنی‌سازی و بازفرآوری خواهد بود. بنابراین و با توجه به وضعیت صنایع ایران، ما می‌توانیم این درخواست را تا پایان قرن بیستم به تأخیر بیاندازیم. در سند دیگر، تونی بن<sup>۱</sup>، وزیر وقت انرژی انگلستان، در نامه به جیمز کالاهان نخست‌وزیر این کشور نوشته است: ایران قصد دارد در پروژه تکنولوژی آب تحت فشار انگلستان میلیون‌ها پوند سرمایه‌گذاری کند و در عوض، بریتانیا نیز بیست راکتور قدرت در اختیار ایران قرار دهد (همان: ۸۶). تونی بن در ادامه این نامه اعلام کرد که بنا به نظر اغلب همکاران ارشد وی، اعتماد پیشنهادی برای ارتباط نزدیک‌تر و همچنین مشارکت ارائه کرده و در عوض، ایران نیز در صنایع هسته‌ای انگلستان سرمایه‌گذاری خواهد کرد (همان). در این نامه تأکید شده است که در ۱۰ سال آینده خطری برای ارسال تکنولوژی تجهیزات هسته‌ای حساس وجود دارد. این پرونده که پس از ۳۰ سال بایگانی اجازه انتشار یافته، شامل نامه لرد وین استوک رئیس جی. ای. سی انگلستان به کالاهان، نخست‌وزیر نیز هست که نوشته است: در ماه می ۱۹۷۷، از مذاکرات محرمانه آگاه شده است و تعجب می‌کند که چرا بریتانیا در عملی کردن این پیشنهاد کوتاهی می‌کند و آن را به تأخیر می‌اندازد! (همان).

باید افزود که طبق این اسناد، تأخیر کابینه در راه اندازی سریع این پروژه به خاطر برنامه‌های جیمی کارتر رئیس‌جمهور جدید آمریکا بود و موضوع لایحه وی برای اجرای پروتکل منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در جولای ۱۹۷۷ م، اما بنابر همین اسناد، مقامات رسمی بریتانیا بسیار امیدوار بودند که بتوانند در

---

1. Tony Benn

رقابت با آلمان و فرانسه - که به ایران پیشنهاد ساخت دو رآکتور کوچک هسته‌ای داده بودند - ببرند (همان).

### همکاری های هسته‌ای ایران و کانادا

ایران و کانادا در هفتم ژانویه ۱۹۷۲ موافقتنامه همکاری برای استفاده صلح‌جویانه از نیروی اتمی را در اتاوا امضاء کردند. این موافقتنامه در ۱۳۵۱/۱۰/۲۶ به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید. طبق این موافقتنامه، همکاری ایران و کانادا در زمینه استفاده صلح‌جویانه از نیروی اتمی شامل مواد زیر تعیین شد:

- ارائه اطلاعات و به ویژه آن چه به پژوهش و توسعه، بهداشت و ایمنی، تجهیزات و تأسیسات (شامل طرح‌ها، نقشه‌ها و مشخصات) و به استفاده از تجهیزات، تأسیسات، مواد و ماده هسته‌ای (شامل پلوتونیوم و اورانیوم غنی شده) مربوط می‌شود.
- دسترسی به مواد، ماده هسته‌ای (شامل پلوتونیوم و اورانیوم غنی شده)، تجهیزات و تأسیسات.
- انتقال حقوق مربوط به اختراعات و اکتشافات ثبت شده.
- دسترسی آزاد به تجهیزات و تأسیسات.
- تأمین کمک فنی و خدمات.
- دیدار دانشمندان یک کشور از کشور دیگر (آرشیو وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶: ۳۷)

### همکاری های هسته‌ای ایران و هند



مقامات ایران و هند در ۶ اسفند ۱۳۵۵ موافقتنامه همکاری در زمینه استفاده صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای را در بمبئی امضاء کردند. این موافقتنامه در ۷ دی ماه ۱۳۵۶ به تصویب مجلس سنا رسید. طبق این موافقتنامه طرفین متعهد شدند:

- اطلاعات پژوهشی و تجربی در زمینه استفاده صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای را مبادله کنند.
- بورس‌های علمی و تحصیلی برای کارآموزی دانش‌پژوهان و تسهیلات لازم برای بازدید هیئت‌های علمی و تکنسین‌ها را در زمینه‌های مورد علاقه متقابل برای مدت مورد توافق طرفین فراهم آورند.
- بر اساس توافق‌های خاص در آینده میان سازمان انرژی اتمی و کمیسیون انرژی اتمی هند، ترتیبات لازم را برای اجاره یا فروش مواد و وسایل ضروری به منظور انجام برنامه‌های طرفین در زمینه استفاده صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای فراهم کنند (همان: ۷۹).

### همکاری‌های هسته‌ای ایران و استرالیا

در سال ۱۳۵۶ ش. برای استخراج و صدور اورانیوم با استرالیا مذاکره شد.<sup>۱</sup> استرالیا یکی از تولیدکنندگان بزرگ اورانیوم بود و ایران قصد داشت از آن کشور اورانیوم بخرد. در این خصوص، موافقتنامه‌ای میان طرفین امضاء شد که با پیروزی انقلاب اسلامی معوق ماند (همان: ۱۸۱).

### همکاری‌های هسته‌ای ایران و آفریقای جنوبی

شاه در جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل، با انور سادات رئیس‌جمهور وقت مصر طرح همکاری ریخت و خشم اسرائیلی‌ها را برانگیخت و آنها را از اتمی شدن ایران به واهمه انداخت و بنابراین، سخت کوشش کردند تا اجرای برخی از قراردادهای هسته‌ای ایران را به تأخیر اندازند. شاه نیز که در این زمان از اقدامات لابی صهیونیسم در عدم اجرای قراردادهای هسته‌ای ایران بی اطلاع نبود، در پی گشایش مرحله جدیدی از فعالیت‌های هسته‌ای با کشورهای غیرآمریکایی و غیراروپایی برآمد. پس در ۱۹۷۶م. قرارداد محرمانه سنگینی برای خرید برخی تجهیزات و مواد اولیه هسته‌ای با آفریقای جنوبی به امضاء رساند<sup>۱</sup> (علیخانی، ۱۳۸۴).

در آن برهه، کارشناسان هسته‌ای ایالات متحده در ایران بر این نظر بودند که، شاه با ایجاد زیر ساخت‌های هسته‌ای، قرارداد اورودیف و انعقاد قرارداد با آفریقای جنوبی، تحقیقات برای تولید سلاح‌های هسته‌ای را در سطح پایین آغاز کرده و مرکز تحقیقات هسته‌ای امیرآباد در تهران محور اصلی این برنامه است. در گزارش‌های این کارشناسان آمده بود که تحقیقات ایران شامل مطالعات طرح‌های تسلیحات در فعالیت‌های محرمانه رژیم شاه، با برنامه غنی‌سازی لیزری که در سال ۱۹۷۵ آغاز شد، ارتباط مستقیم دارد (همان).

۱. شایان ذکر است آفریقای جنوبی تا حدود یک دهه بعد از این قرارداد، یعنی تا سال ۱۹۸۴، محدودیت‌های تخصصی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را مبنی بر انتقال برخی از تجهیزات و مواد اولیه هسته‌ای به کشورهای دیگر نپذیرفته بود و لذا تا قبل از پیروزی انقلاب این قرارداد با ایران پابرجا بود.

### ۵. رویکرد هسته‌ای آمریکا نسبت به ایران در دوره‌های گوناگون

برنامه اتمی ایران در ۱۹۵۹م. آغاز شد، با راکتور کوچکی که دوایت آیزنهاور (۱۹۶۱-۱۹۵۳م.)، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در قالب برنامه "اتم برای صلح" به دانشگاه تهران هدیه داد. آیزنهاور، بارها در دیدار با سران انگلستان، فرانسه و آلمان غربی وحشت خود را از حمله ناگهانی شوروی به مرزهای شمالی ایران و افتادن ایران به دام کمونیسم و در نتیجه از دست رفتن پایگاه مهم غرب و از هم گسستن کمربند بازدارندگی کمونیسم در جنوب مرزهای شوروی اعلام کرده بود. وی اذعان می‌داشت که برای حفظ منافع آمریکا لازم است ایران اتمی شود و بنابراین، آمریکا از تمایل شاه برای دستیابی به فناوری هسته‌ای حمایت می‌کرد (علیخانی صدر، ۱۳۸۸: ۷۶).

در پژوهش حاضر، با عنایت به سیاست ائتلاف و اتحاد شاه در این دوره زمانی استراتژی و منطق سیاست خارجی و قطب انتخابی شاه برای اتحاد، یعنی ایالات متحده آمریکا در سه دوره پایانی منتهی به سقوط سلطنت پهلوی بررسی خواهد شد. سبب انتخاب این محدوده زمانی به حیطة اصلی پژوهش بازمی‌گردد، زیرا چنانکه در طرح مسأله بیان شد، کوشش عمده رژیم پهلوی برای توسعه صنعت هسته‌ای، به دوره زمانی پنج ساله ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹م. باز می‌گردد. برای بررسی ابعاد خارجی موضوع، ناگزیر می‌باید خط‌مشی مهم‌ترین بازیگر خارجی در زمینه سیاست هسته‌ای محمدرضا شاه، یعنی ایالات متحده آمریکا در سه دوره نیکسون، فورد و کارتر بررسی و تحلیل شود. در این دوره، دو رویکرد واقع‌گرایی و بین‌الملل‌گرایی لیبرال به مشی غالب دولت‌های آمریکا تبدیل شد و البته هر یک افت و خیزهایی را تجربه کرد.

### دوره نیکسون - کیسینجر

ریچارد نیکسون (۱۹۷۴ - ۱۹۶۹ م.) نخستین رئیس جمهور پس از تئودور روزولت بود که سیاست خارجی را بر بستر واقع‌گرایانه تعریف و توجیه کرد. هنری کیسینجر، مشاور امنیت ملی او و استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد، بنیان‌های نظری سیاست خارجی کابینه را شکل داد که تا دوره ریاست جمهوری جerald فورد (۱۹۷۴-۱۹۷۷ م.) ادامه یافت. نیکسون راهبرد جدیدی برای سد نفوذ شوروی طراحی کرد و دو تغییر در این راهبرد بسیار مهم بود: نخست، از نظر دیپلماتیک؛ ورود اتحاد جماهیر شوروی به سیاست تنش‌زدایی بود. در سیاست تنش‌زدایی می‌توان پذیرفت که روابط ابرقدرت‌ها اساساً رقابتی است و باید رقابتی بماند. همچنین سیاست تنش‌زدایی در پی ایجاد بسترهای همکاری در درون روابط کلی رقابتی بود: هر دو طرف می‌توانند از تجارت کالاهای غیر راهبردی، جلوگیری از گسترش اختلافات جهان سوم به سطح بحران بین ابرقدرت‌ها و تحدید مسابقه تسلیحات اتمی سود ببرند و دوم، کوشش برای تغییر جهان از موازنه دو قطبی به موازنه چند قطبی. نیکسون برتری ابرقدرت‌ها را در حال افول می‌دید. اروپا با خلاصی در زمینه اقتصادی از وضعیت جنگی در پی اتحاد بود. ژاپن قدرتی اقتصادی به شمار می‌رفت و مهم‌تر، چین به عنوان کشوری مستقل و قوی سر بر می‌آورد. بنابراین، آمریکا برای برقراری روابط با چین اقدام کرد، اما سیاست دولت نیکسون کاملاً منطبق با واقع‌گرایی نبود. برای مثال، این سیاست با هرگونه استقلال عمل واقعی برای اروپا و ژاپن مخالفت داشت، ترتیبات موازنه قدرت نه برای متحدان، بلکه برای دشمنان پذیرفتنی به نظر می‌رسید و همچنین تعهد برای برقراری ثبات جهان سوم بر اساس اقدام طرفداران با نفوذ

منطقه‌ای به نمایندگی از طرف ایالات متحده آمریکا تداوم یافت. گفته‌اند که رهنامه نیکسون صرفاً در پی تعهد کم هزینه برای سد نفوذ بود (کالاها، ۱۳۸۷: ۹۴).

هنری کیسینجر به خوبی می‌دانست که چه می‌کند: تبدیل کمک تسلیحاتی به فروش اسلحه و به این ترتیب دست شاه برای خرید هر مقدار جنگ افزار- به استثنای سلاح‌های هسته‌ای- باز گذاشته شد. ثانیاً، از طریق افزایش بهای نفت، پول لازم برای خرید جنگ افزار به دست شاه افتاد. بدین ترتیب، دلارهای نفتی به آمریکا بازمی‌گشت. ثالثاً، همگام با دکترین نیکسون، این سیاست را به اجرا درآورد: «جنگ برای آمریکا، اما به دست دیگران» (رزاقی، ۱۳۶۷: ۶۲۰).

در بهار ۱۹۷۴م، کیسینجر پیشنهاد کرد کمیسیونی مشترک در سطح وزیران به ریاست وزیر خزانه‌داری آمریکا تشکیل شود. یکی از نخستین وظایف این کمیسیون، می‌توانست همکاری در زمینه توسعه برنامه انرژی هسته‌ای باشد. یادداشت تفاهم در باره تولید موشک‌های دوربرد در ایران در ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۴ میان مؤسسه ناسا و سازمان انرژی اتمی ایران امضاء شد. دومین اجلاس کمیسیون اقتصادی دو کشور در اسفند ۱۳۵۳/ مارس ۱۹۷۵ در واشنگتن تشکیل و در پایان آن موافقتنامه بازرگانی ۱۵ میلیارد دلاری را هنری کیسینجر و هوشنگ انصاری وزیر امور اقتصادی وقت امضاء و مبادله کردند. بر اساس این موافقتنامه، آمریکا احداث ۸ نیروگاه اتمی در ایران را پذیرفت (همان). قرار بود ایران ۱ میلیارد دلار دیگر نیز برای خرید نیروگاه‌های هسته‌ای و تکنولوژی پیشرفته از آمریکا اختصاص دهد (شوکراس، ۱۳۶۹: ۲۲). این پروژه بیش از ۶ میلیارد دلار عاید دولت آمریکا می‌کرد و در آن زمان در ایران نیز، استخراج روزانه نفت به ۶ میلیون بشکه می‌رسید (مجلسی، ۱۳۸۴: ۷).

وقتی از کسینجر پرسیده شد که چرا نظر خود را در باره انرژی هسته‌ای ایران تغییر داده است؟ پاسخ داد: «ایرانی‌ها در آن وقت متحد ما بودند و این مبادله‌ای تجاری بود. در آن زمان مطرح نبود که روزی ممکن است ایران به طرف سلاح‌های اتمی گام بردارد». بنابراین، می‌توان سیاست ائتلاف و اتحاد شاه و ایالات متحده را در این دوران به گونه‌ای مشخص دید، سیاستی که در آن، ایالات متحده، ایران را در قامت قدرت منطقه‌ای با ظرفیت‌های بالای امنیتی و نظامی در آورده بود (همان).

### دوره جerald فورد

جرالد فورد (۱۹۷۷ - ۱۹۷۴ م.) ضمن تأیید طرح‌های ایران برای صنایع عظیم انرژی هسته‌ای، می‌کوشید معامله‌ای چند میلیارد دلاری را با ایران به سرانجام برساند. در این طرح، کنترل مقدار قابل توجهی پلوتونیوم و غنی کردن اورانیوم به ایران واگذار می‌شد که هر دو، راهی برای رسیدن به بمب هسته‌ای بود یا می‌توانست به صورت بخش اصلی آن در آید. ایران که در آن زمان یکی از متحدان آمریکا بود، امکانات مالی وسیع و روابط نزدیکی با واشنگتن داشت. شرکت‌های آمریکایی از جمله وستینگ هاوس و جنرال الکتریک کوشش می‌کردند برای فروش لوازم انرژی هسته‌ای به معاملات تجاری پرسود با ایران دست یابند. بنابر جزئیات مدارکی که از حالت سری خارج شده و در اختیار عموم قرار گرفته و واشنگتن پست آن را بررسی کرده است، ایران در آن زمان توانایی غنی‌سازی اورانیوم را - آن طور که اکنون دارد - نداشت (مجلسی، ۱۳۸۴: ۲۷)، اما در آن زمان دولت آمریکا کوشش می‌کرد بنا بر تقاضای ایران برای بازپردازی پلوتونیوم، یعنی عنصر کلیدی در ساختن بمب هسته‌ای

به ایران کمک کند. در آغاز تردیدهایی در این مورد وجود داشت، تا اینکه در سال ۱۹۷۶م. سرانجام فورد اجازه خرید و عمل بر روی دستگاه‌هایی که پلوتونیم را از سوخت رآکتور هسته‌ای استخراج می‌کرد، به ایران داد. طبق دستور او قرار بود دستگاه کامل "چرخه سوخت هسته‌ای" در اختیار ایران قرار گیرد. تیم جرالد فورد از تصمیم ایران برای داشتن صنعت عظیم تولید انرژی هسته‌ای ابراز خوشنودی می‌کرد. در اسناد علنی شده سال ۱۹۷۵م. هیچ اشاره‌ای به این موضوع نشده بود که ایران باید خود را برای زمان کاهش استخراج نفت آماده کند. در آن زمان ذخایر نفت ایران کمتر از زمان کنونی به نظر می‌رسید و ارزیابی کارشناسان انرژی و سازمان‌های اطلاعاتی آمریکایی نشان می‌داد که جمعیت ایران از سال ۱۹۷۰م. به بعد بیش از ۲ برابر شده و نیاز به انرژی افزایش یافته است و ایران در دهه‌های آینده به منبع انرژی جایگزین نیاز دارد<sup>۱</sup> (همان: ۷).

### دوره جیمی کارتر

دولت جیمی کارتر (۱۹۸۱-۱۹۷۷م.) با وجود آنکه راه خود را از مفاهیم سیاست خارجی واقع‌گرایانه نیکسون و فورد جدا کرده بود و بر تقویت همکاری بین‌المللی تأکید می‌کرد، اما نشانه‌هایی از واقع‌گرایی هم داشت. دولت کارتر از آغاز به دو اردوگاه تقسیم شد: جناحی به رهبری برژینسکی که جهان را از منظر واقع‌گرایی و به ویژه در تقابل با قدرت شوروی به عنوان موضوع اساسی سیاست جهان می‌دید. در

۱. برای آگاهی بیشتر از سیاست‌های فورد در برابر شاه رجوع کنید به: Nixon, Kissinger and the Shah, Roham Alvandi, Oxford, 2014

عمل هم، دولت آمریکا در رابطه با شوروی، چین و ایران بیشتر موافق اصول جغرافیای سیاسی رفتار می‌کرد تا اصول اخلاقی، اما هر چه از عمر کابینه می‌گذشت، طرفداران اصول جغرافیایی واقع‌گرایانه نفوذ بیشتری به دست می‌آوردند، تا آنکه مخالفان ایشان نفوذ خود را از دست دادند و دولت را ترک کردند (کالاها، ۱۳۸۷: ۹۵).

کارتر در دوران ریاست جمهوری کوشید سیاست خارجی خود را بر اصول بین‌المللی‌گرایی لیبرال پی‌ریزی کند. وی پیش‌بینی می‌کرد که در آینده نزدیک، بیشتر مسائل مربوط به جنگ و صلح، مشکلات اجتماعی و اقتصادی خواهند بود، نه مشکلات امنیتی - نظامی که از جنگ جهانی دوم به بعد بر روابط بین‌الملل حاکم بوده است. ماهیت مشکلات جهان بر ماهیت قدرت تأثیر نهاده است و در جامعه بین‌المللی، قدرت لازم برای حل مشکلات جهان به ویژه قدرت اقتصادی و سیاسی، دیگر تنها در دست چند ملت اندک نیست (برژینسکی، ۱۳۷۹: ۴۸-۴۹).

به این ترتیب، گرچه با ریاست جمهوری کارتر آرمان‌هایی چون حقوق بشر، روابط بین‌الملل و اخلاقیات وارد مباحث داخلی و بین‌المللی آمریکا شد، اما اصول جغرافیای سیاسی و مسائل ژئوپلیتیک همچنان طرفداران نیرومندی داشت و رهبری این جریان با برژینسکی بود. این افراد، جهان را از منظر واقع‌گرایی و به ویژه در تقابل با قدرت شوروی به عنوان موضوع اساسی سیاست جهان می‌نگریستند. به این ترتیب و بنا بر این استراتژی، عرصه برای رشد هسته‌ای ایران متحد ایالات متحده آمریکا باز بود، اما در این باره که آمریکا تا چه حد از پیشروی



برنامه هسته‌ای ایران را بر می‌تافت، نظرات متفاوتی وجود داشت که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

### ۶. دیدگاه‌ها در باره رویکرد غرب نسبت به مسئله هسته‌ای ایران

در باب نگرش و رویکرد سیاسی-اقتصادی آمریکا به مقوله هسته‌ای ایران در دوره پهلوی دوم دو دیدگاه کلی هست: بنا بر دیدگاه اول، منطق برخورد آمریکا با ایران در زمان پیش و پس از انقلاب اسلامی تغییر چندانی به لحاظ ماهیت نداشته و آمریکا به دلایل استراتژیک در هر زمان، موافق هسته‌ای شدن ایران نبوده است. شماری دیگر بر این باورند که رویکرد آمریکا پیش و پس از انقلاب، از حیث ماهیت، دو رویکرد متفاوت بوده است؛ از همه مهم‌تر به دلیل همسویی و تعارض منافع ایران و آمریکا در پیش و پس از انقلاب. در این بخش دلایل هر دو دیدگاه را بررسی می‌کنیم.

#### ۶.۱ دیدگاه اول: رویکرد متفاوت آمریکا در برابر برنامه اتمی ایران، پیش و پس از انقلاب

بر اساس این دیدگاه، که طرفداران قابل توجه دارد، رویکرد ایالات متحده آمریکا در خصوص مسئله هسته‌ای ایران، قبل و بعد از انقلاب، هم به لحاظ ماهیت و هم به لحاظ شکل تفاوت چشمگیری داشته است. بدیهی‌ترین دلیل آنها، سخت‌گیری‌ها و مانع‌تراشی‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر، در قیاس با همکاری‌ها و تشویق‌های رژیم شاه پیش از انقلاب اسلامی است.

به نظر موافقان این دیدگاه، پس از بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی و تبعات منفی آن در جامعه جهانی برای ایالات متحده آمریکا، این کشور کوشید تا با هدف

تلطیف فضای موجود، با طرح "اتم برای صلح" و با انتقال این تکنولوژی به کشورهای همسو با آمریکا، جهت‌گیری‌ها را در عرصه بین‌المللی تغییر دهد و اذهان بین‌المللی را از فعالیت‌های هسته‌ای منحرف کند (علیخانی، ۱۳۸۸: ۷۶).

از سوی دیگر، رکود شدید اقتصادی در ایالات متحده سبب می‌شد تا تقویت همکاری‌های اقتصادی با کشورهای هم‌پیمان در دستور کار قرار گیرد. بنابراین، عقد قراردادهای هنگفت هسته‌ای با کشورهای هم‌پیمان مانند ایران، تجارتی پرسود محسوب می‌شد؛ به ویژه ایران که از یک سو به سبب جهش درآمد نفتی، وضع مالی خوبی داشت و از سوی دیگر، رهبران آن به دلایل ژئوپلیتیکی و روانشناختی در پی توسعه و استقرار در جایگاه‌های برتر جهانی بودند.<sup>۱</sup>

فروش تجهیزات هسته‌ای به ایران، ضمن کمک به خروج آمریکا از رکود اقتصادی، می‌توانست چند مزیت دیگر همزمان داشته باشد: اول آنکه رضایت شاه را به عنوان دوست و هم‌پیمان منطقه‌ای آمریکا جلب می‌کرد و سبب افزایش اعتماد وی به ایالات متحده برای همکاری‌های آینده می‌شد و دوم، وجهه و "پرستیژ" شاه و ایران را به عنوان الگویی موفق از کشورهای در حال توسعه، که راه رشد سرمایه‌داری و صنعتی را برگزیده‌اند در منطقه تقویت می‌کرد و سوم اینکه جلب رضایت شاه در اهداف توسعه‌ای، با سیاست سد نفوذ و مهار شوروی کاملاً همخوانی داشت و نوعی بازدارندگی در برابر شوروی ایجاد می‌کرد.

## ۶.۲ دیدگاه دوم: رویکرد یکسان آمریکا در برابر برنامه اتمی ایران، پیش و پس از انقلاب

۱. نگاه کنید به: بخش همکاری‌های هسته‌ای ایران با آمریکا در همین پژوهش

این دیدگاه، نسبت به دیدگاه نخست، طرفداران کمتری دارد. این گروه بر این نظرند که اساساً رویکرد هسته‌ای آمریکا در قبال ایران در دوره محمدرضا پهلوی و جمهوری اسلامی تغییر ماهوی نداشته است. به نظر عباس میلانی، یکی از مدافعان این دیدگاه، در مقاله "رؤیای اتمی شاه" (منتشر شده در نشریه فارین پالیسی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰) گرچه آمریکا و غرب دوست و متحد شاه شمرده می‌شدند، اما تنها حاضر بودند به وی رأکتور بدهند و با بمب اتمی کاملاً مخالف بودند (Milani, 2010).

میلانی با اشاره به مدارک خارج شده از طبقه‌بندی در مرکز کتابخانه نیکسون کارتر، شورای امنیت ملی (کاخ سفید)، وزارت انرژی و پنتاگون نوشته است: «این مدارک دقیقاً نشان می‌دهد همین مسائلی که در حال حاضر در مورد برنامه اتمی جمهوری اسلامی مطرح است، آن زمان با شاه ایران مطرح بوده است. آن زمان هم شاه اصرار داشته که تحت ان پی تی، چرخه سوخت داشته باشد و آمریکا می‌خواسته تأمین سوخت را تضمین کند و آمریکا قول داده بوده ایران را در یک کنسرسیوم سوخت بین‌المللی وارد کند. شاه با اینکه گفته بود دنبال بمب اتمی نیست، اما حاضر نبود با ایران مانند یک کشور جهان‌سومی رفتار شود» (Ibid).

گرچه آلمان و فرانسه مشتاق بودند رآکتورهای خود را به ایران بفروشند، اما آمریکا چندان رغبتی نداشت و طبق اسناد دولتی «آمریکا بدون ترسیم محدودیت‌هایی برای شاه، حاضر به معامله هسته‌ای با ایران نبود». شرکت‌های آمریکایی از هرگونه معامله اتمی با ایران تا زمان رفع نگرانی‌های واشنگتن ممنوع شده بودند (Ibid).

شاه خواهان حقوق کامل ایران تحت ان پی تی بود؛ پیمانی که اجازه می‌داد کشورها در برابر خودداری از ساخت بمب اتمی، از فعالیت غیرنظامی اتمی استفاده کنند. شاه خواهان چرخه کامل سوخت بود، با چرخه پلوتونیوم که نسبت به اورانیوم سریع‌تر می‌توان با آن بمب اتمی تولید کرد (Ibid).

با توجه به اسناد وزارت دفاع و وزارت انرژی آمریکا در آن زمان، آمریکا از این نگرانی داشت که برنامه پلوتونیوم ایران برای تولید ۲۳ هزار مگاوات برق، بتواند ۶۰۰ تا ۷۰۰ کلاهک اتمی تولید کند. سرانجام در ژوئن ۱۹۷۴ آمریکا تصمیم گرفت با ایران وارد معامله اتمی شود و به ایران رآکتور بفروشد؛ بنا بر اسناد دیپلماتیک آمریکا، به شرط اقدامات حفاظتی و کنترل بیشتر. نگرانی آمریکا از بروز هرگونه ناآرامی بود، یا حمله تروریستی که ممکن بود این صنایع را به دست دیگران بدهد (Ibid).

پس از آنکه شاه حاضر شد برای کنترل، اقدامات بیشتری در نظر گیرد، تأکید کرد که نمی‌پذیرد ایران، کشوری متفاوت از دیگر کشورها در نظر گرفته شود. در آن زمان، ایران قرارداد ساخت چهار نیروگاه اتمی را با فرانسه و آلمان امضاء کرده بود و شاه چنین جلوه می‌داد که قصد دارد برای ساخت هشت نیروگاه اتمی با آمریکا قرارداد امضا کند. وزارت امور خارجه آمریکا نه تنها از این قراردادها استقبال کرد، بلکه از شاه خواست به مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار در صنایع غنی‌سازی اورانیوم شرکت بک تل در آمریکا سرمایه‌گذاری کند. آمریکا نگران بخش صنایع پلوتونیوم ایران بود و گرچه تضمین‌هایی داده شده بود، شاه

پیشنهاد آمریکا را که می‌خواست تنها منبع تهیه اورانیوم غنی شده برای ایران باشد، نپذیرفت (Ibid).

مذاکرات به درازا کشید و حتی به بن بست انجامید. شاه خواهان لغو هرگونه وتوی آمریکا در کل این همکاری بود و حتی وزارت دفاع آمریکا پیشنهاد کرد که دولت آمریکا دست از سختگیری نسبت به شاه بردارد درخواست‌های او را بپذیرد، زیرا پنتاگون بر این باور بود که تنش در این حوزه، ممکن است به دیگر ابعاد روابط ایران و آمریکا لطمه بزند. فرانسه و آلمان حاضر بودند جای خالی آمریکا را در این همکاری اتمی پر کنند و این حقیقت که ایران برای همکاری‌های اتمی با هند اعلام آمادگی کرده بود، همه اینها موجب شد که آمریکا در موضع خود تجدید نظر کند. جرال فورد و پس از او جیمی کارتر، حاضر شدند با توجه به شرط‌های شاه، ضمن حفظ شرایط امنیتی برای جلوگیری از هرگونه تولید بمب، با ایران همکاری اتمی داشته باشند. سرانجام در سال ۱۹۷۸م. کارتر موافقت کرد تا شرکت‌های اتمی آمریکا با ایران به ویژه در حوزه تولید پلوتونیوم همکاری کنند، اما در این زمان، نگرانی‌های بین‌المللی از افق وضعیت ایران دیده می‌شد. پس از چند ماه از امضای این توافقنامه، شاه گرفتار مسائل داخلی شد و دیگر نتوانست بر مذاکرات اتمی تمرکز کند (Ibid).

در ادامه، به بررسی شماری از اسناد محرمانه وزارت امور خارجه آمریکا خواهیم پرداخت. این اسناد که در سال ۲۰۰۱م. از طبقه‌بندی خارج شده، به طور کلی مربوط به سال‌های پایانی عمر حکومت پهلوی است و وضعیت همکاری

هسته‌ای ایران و آمریکا و نیز نگرانی‌ها از مقاصد اصلی شاه را برای توسعه برنامه هسته‌ای در این مقطع ترسیم می‌کند.

#### ۷. بررسی اسناد، مذاکرات هسته‌ای میان ایران و آمریکا

در خلاصه‌ای از اسناد و خاطرات از طبقه‌بندی خارج شده در آرشیو امنیت ملی آمریکا نگرانی آمریکا از بابت برنامه اتمی شاه برجسته شده است. برای مثال بنا بر روزشمار وزارت دفاع آمریکا در اول ژوئن ۱۹۷۴ نیروگاه‌های هسته‌ای برنامه‌ریزی شده (شامل ۸ نیروگاه از سوی شرکت‌های آمریکایی) می‌تواند پلوتونیوم کافی برای ساخت ۶۰۰ تا ۷۰۰ کلاهک را تولید کند (Gibney, 2015).

شاه و وزرای وی تأکید می‌کردند که هیچ کشوری حق ندارد سیاست هسته‌ای خاصی را به کشور دیگری تحمیل کند و ایران می‌باید برای تصمیم به بازفرآوری سوخت یا تصمیم حق کامل داشته باشد. از سوی دیگر، سیاست‌گذاران ایالات متحده کوشش می‌کردند تا به راه‌هایی برای اطمینان از مهار و کنترل بازفرآوری برسند و در این خصوص پیشنهاد دادند مرکز غنی‌سازی چند ملیتی، یا مرکز غنی‌سازی مشترک میان ایالات متحده و ایران راه‌اندازی شود (همان).

#### سند شماره ۴: "کاهش خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای"

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. به:

Document 4: "Minimize Proliferation Risks"

Executive Secretary Samuel R. Gammon to Sidney Sober, Bureau of Near Eastern Affairs, and Thomas Clingan, Bureau of Oceans, International Environmental, and Scientific Affairs, "Nuclear Energy Agreement for Cooperation with Iran," 11 December 1974, enclosing memorandum to Secretary Kissinger from Alfred Atherton, Bureau of Near Eastern Affairs and Nelson F. Sievering, Bureau of Oceans, International Environmental, and Scientific Affairs, "Nuclear Energy Agreement for Cooperation with Iran," 6 December 1974, Confidential

شاه علاوه بر دیگر جاه‌طلبی‌ها، "نیروگاه هسته‌ای تمام و کمال" هم می‌خواست تا با کاهش منابع نفتی، انرژی مورد نیاز صنایع تأمین شود. شاه برای رسیدن به این هدف با چند کشور صادر کننده فن‌آوری‌های هسته‌ای برای خرید رآکتور و دیگر فن‌آوری‌های مرتبط با این عرصه مذاکره کرد: فرانسه، آلمان غربی و ایالات متحده. دولت فورد همچنین شرکت بچتل را ترغیب کرد تا به شاه پیشنهاد دهد صدها میلیون دلار در نیروگاه‌های غنی‌سازی اورانیوم متعلق به آمریکا سرمایه‌گذاری. طرف آمریکایی - دولت نیکسون و بعدها فورد - می‌خواست پایه‌ریزی توافق همکاری هسته‌ای بر اساس آن، فروش هشت رآکتور به ایران، به گونه‌ای باشد که با سیاست‌های کلی هسته‌ای تقابل پیدا نکند؛ ماجرا برای آمریکا صرفاً فروش و تجارت نبود. طبیعی بود که قضیه "مواد انفجاری هسته‌ای صلح‌آمیز" هند هم بر مذاکرات اثر بگذارد؛ نگرانی‌های کنگره در باره گسترش سلاح‌های هسته‌ای بیشتر شده و دیگر به زبان آمده بود، به ویژه چون دهلی‌نو برای تأمین پلوتونیوم از رآکتوری استفاده کرده بود که کانادا برایش فراهم آورده بود. این فشارهای چندجانبه، مقام‌های ارشد وزارت امور خارجه آمریکا را به جایی رساند که شرایطی را به شاه پیشنهاد دادند که چندان نیرومند نبود و شاه را به خرید از کشوری دیگر ترغیب کرد، اما آن قدرها هم بی‌رمق نبود که کنگره با آنها مخالفت کند. کیسینجر، وزیر امور خارجه پیشنهاد مقام‌های ارشد را به خاطر گزینه سوم پذیرفت که به واشنگتن حق و تو می‌داد و بر اساس آن می‌توانستند یا بر «انجام فرایندهای لازم و ذخیره سوخت مصرفی در بیرون» از خاک ایران تأکید کنند یا روی تعبیه استانداردهای لازم «برای استقرار داخلی و شاید ساخت یک تأسیسات چند منظوره با قابلیت انجام روندهای

لازم». با این حال کیسینجر آشکارا عصبانی شد که زیر دست‌هایش پیش‌تر به کنگره گفته بودند که این توافق «شامل شروط الحاقی دو جانبه‌ای خواهد بود که فراتر از الزام‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است» و از آنها می‌خواست توضیح بدهند که چرا آزادی عمل او را محدود کرده‌اند (NSA, 2009: D4).

مجموعه اسناد شماره ۱۹ (دو سند): «ساخت سلاح از نظر ایرانی‌ها محکوم است»<sup>۱</sup> در ششم ژوئن ۱۹۷۶ ریچارد هلمز، سفیر ایالات متحده در ایران و ریچارد چپمن، وابسته علمی سفارت، متن پیش‌نویس توافقنامه و ملاحظات همراهش را به اکبر اعتماد، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران تحویل دادند. به محض آنکه ایران پیشنهادهای ایالات متحده را در می‌یافت، مرکز تحقیقات و توسعه انرژی و وزارت امور خارجه می‌توانستند گروهی را برای مذاکرات مفصل‌تر و جزئی‌تر روانه تهران کنند. هلمز گفت که او طرفدار پیشنهاد سابق اعتماد مبنی بر داشتن «تعاملاتی در سطح بالا» پس از توافقنامه نهایی است - توافقنامه‌ای که حین مذاکراتش دو طرف می‌توانستند تعهداتشان به عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای را تأیید و تأکید مجدد کنند و «تمایل‌مان به محک ایده روند دوملیتی یا چندملیتی بازفرآوری سوخت را اعلام کنیم». از گفته‌های اعتماد بر می‌آید که شاه به داشتن تعاملات در سطح بالا علاقه‌مند نبود، اما وی تأکید کرد که ایران حامی اهداف معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است و گفت که «گسترش سلاح فقط موقعیت ایران را در برابر

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک به:

"Documents 19a-b: "Proliferation is Anathema to Iran  
 a: U.S. Embassy Tehran cable 5735 to State Department, "Iranian Nuclear Power Agreement," 7 June 1976, Confidential  
 b: U.S. Embassy Tehran cable 5765 to State Department, "Iranian Views on Non-Proliferation and US/Iran Nuclear Cooperation," 7 June 1976, Secret



همسایگانش تضعیف خواهد کرد، بنابراین ساخت سلاح از نظر ایران محکوم است». او مشخصاً نگران فشار هند به پاکستان بود و پیشنهاد کرد واشنگتن «تضمینی برای عدم حمله هند» به دست بیاورد و اینکه «چنین اقدامی از فشار به پاکستان برای رفتن به سمت اتمی شدن خواهد کاست» (NSA, 2009: D19a-b).

### سند شماره ۲۰: توافق‌نامه ایران با آلمان غربی<sup>۱</sup>

مذاکرات هسته‌ای ایران با آلمان غربی و برزیل، مایه خشم و ناراحتی کیسینجر و وزارت امور خارجه بود، زیرا بر این نظر بودند که بُن موضعی به اندازه کافی مستحکم در قبال قضیه بازفرآوری نداشته است. کیسینجر به فُن اشتادن سفیر یادآور شد: «ما قویاً به جمهوری فدرال آلمان تصریح کرده بودیم که تجهیزات بازفرآوری در اختیار ایران نگذارد»، اما فُن اشتادن استدلال می‌کرد که توافقنامه در بر گیرنده مجموعه تمهیداتی نظارتی است و طراحی شده تا آزادی عمل ایران را محدود کند، اما ضمناً تصدیق می‌کرد که توافقنامه آنها جلوی بازفرآوری ایران را نمی‌گیرد. همین کیسینجر را برانگیخت که بگوید «ایالات متحده استقبال پُرشوری از این توافقنامه نمی‌کند... [ما] نمی‌توانیم نگوییم که این توافقنامه را تأیید نمی‌کنیم» (NSA, 2009: D20).

### سند شماره ۲۱: «ایران حق کامل برای تصمیم‌گیری خواهد داشت»<sup>۲</sup>

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک به:

Document 20: The Iran-West German Agreement  
Memorandum of Conversation, "The Secretary's Meeting with FRG Ambassador Von Staden on the FRG/Iran Agreement for Nuclear Cooperation," 2 July 1976, Secret/Nodis

۲. برای مطالعه بیشتر ر. ک به:

Document 21: "Iran Shall Have Full Right to Decide"  
U.S. Embassy Tehran cable 7485 to State Department, "Iranian Counterproposals for Atomic Energy Agreement," 23 July 1976, Confidential

در بیست و دوم ژوئیه، اکبر اعتماد پاسخ کشورش را در بارهٔ پیش‌نویس توافقنامهٔ ایالات متحده، تسلیم ریچارد هلمز سفیر آمریکا در تهران کرد. بعدها مقام‌های سفارت نوشتهٔ تهران را «فراطی» توصیف کردند، احتمالاً چون قضیهٔ وتوی آمریکا در بارهٔ بازفرآوری سوخت مصرفی تأمین‌کننده آمریکا از سوی ایران را نپذیرفته بودند. دولت ایران «به جد مایل به انجام روند بازفرآوری در تأسیساتی مستقر در ایران است» و واشنگتن باید با حفظ «بی‌طرفی کامل حاضر باشد تجهیزات لازم برای ساخت تأسیساتی را تأمین کند که... بی‌شک بخشی از برنامهٔ هسته‌ای [ایران] را تشکیل می‌دهند». بنابراین، ایران می‌توانست کلّ چرخهٔ سوخت هسته‌ای‌اش را به طور کامل هدایت کند و باید «حق نظارت مؤثر بر اداره و گرداندن تأسیسات بازفرآوری را داشته باشد». ایران همکاری ایالات متحده را ارج می‌نهد، اما واشنگتن صرفاً «حق رأی محدودی» دارد و حق وتو ندارد. «ایران باید حق کامل برای تصمیم‌گیری در بارهٔ بازفرآوری یا هر اقدام و رفتاری در مورد مواد و تجهیزات - مطابق با توافقنامه - داشته باشد». با این حال، گزینهٔ بازخرید پیشنهادی ایالات متحده کماکان روی میز باقی ماند؛ اگر ایران طالب بازفرآوری نبود، ایالات متحده می‌توانست یا به صورت نقد سوخت مصرفی را بازخرید کند، یا «برابر با ارزش مواد هسته‌ای مشخص قابل بازیابی» از جمله سوخت مصرفی اورانیوم غنی کند و در اختیار ایران بگذارد (NSA, 2009: D21).

سند شمارهٔ ۲۲: «ما چگونه تسلیم شدیم؟»<sup>۱</sup>

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک به:

Document 22: "How We Gave the Farm Away?"  
Tehran Embassy cable 7886 to State Department, "Nuclear Energy Discussions," August 3, 1976, Confidential, with annotations and cartoon by Pentagon official

در اوایل اوت ۱۹۷۶ هنری کیسینجر و مقام‌هایی دیگر از ایالات متحده برای دیدار با هیأت اقتصادی مشترک ایران و آمریکا و به قصد گفت‌وگو بر سر مسائل گوناگون، از جمله توافقنامه هسته‌ای به ایران سفر کردند. اکبر اعتماد همچنان بر این موضع پای می‌فشرد که ایالات متحده باید «التزام به یاری ایران در تمام حوزه‌های مرتبط با انرژی هسته‌ای» داشته باشد و اینکه ایران «رفتار تبعیض‌آمیز را قبول نمی‌کند». با این حال پذیرفت که واشنگتن در موضع کمک به ایران برای دستیابی به فن‌آوری بازفرآوری نیست و اعلام کرد که موضوع اصلی برای ایران «تأمین تضمین شده سوخت است». مقام‌های آمریکایی نمی‌توانستند هیچ چیز را تضمین کنند، اما توضیح دادند که می‌خواهند توافقنامه، نشان دهنده «تمایل ایالات متحده به همکاری» در چارچوب «محدودیت‌های عملی و قانونی لازم» باشد. «آن‌ها همچنین تأکید کردند که پیش‌نویس ۳۱ مه ایالات متحده به ایران امکان بازفرآوری در تأسیسات ملی داخل این کشور را می‌دهد و بنابراین تضمینی است بر اینکه ایران از هیچ گزینه‌ای در مورد مسأله بازفرآوری محروم نمی‌شود». در گفت‌وگوهای بعدی برای بررسی امکان‌های بدیل، گزینه‌های دیگری مورد بحث قرار گرفت، از جمله بازخرید (تبادل سوخت) یا بازفرآوری از طریق یک کشور سوم (NSA, 2009: D22). با اینکه هلمز «بنیاد گفت‌وگوها را برای تداوم مباحثات»، «نویدبخش» می‌دید، اما یک مقام بدبین واحد ایران اداره امور مرتبط با امنیت ملی پنتاگون اصلاً راضی نبود. این مقام پنتاگون احتمالاً نگرانی این را داشت که قائل شدن به اتخاذ رویکردهایی بدیل که به ایران امکان فرآوری در داخل کشور تحت شرایطی خاص را می‌داد، خطرناک بود (و از موضع کیسینجر در مورد بازخرید هم خبر نداشت) و

معتقد بود واشنگتن دارد «تسلیم می‌شود» و کاریکاتوری جالب از شاه کشید که جلوی عمو سام به خاک افتاده، ایستاده و عمو سام دارد به او می‌گوید: «هی، تو رو خدا سر تا پای منو لگدمال کن» (همان).

**مجموعه اسناد شماره ۲۳ (دو سند): «ما بر انجام روند بازفرآوری در ایالات متحده اصرار داریم»<sup>۱</sup>**

کیسینجر علاوه بر دیدار با هیأت اقتصادی مشترک، با شاه هم برای گفت‌وگو در باره همکاری‌های هسته‌ای دیدار کرد. متن گفت‌وگوهای کیسینجر با شاه همچنان در دسترس نیست، اما متون در دسترس آرشیو وزارت امور خارجه جزئیاتی مهم از مذاکرات را در بر دارند. گویا کیسینجر برای شاه توضیح داده بود که یک نیروگاه بازفرآوری «تماماً ملی» برای آمریکا پذیرفتنی نیست. توافقنامه همکاری هسته‌ای، بدیل‌هایی برای بازفرآوری ملی در داخل پیش روی ایران می‌گذارد - «بازخرید»، تأسیسات بازفرآوری دوملیتی، و انجام روند بازفرآوری در کشوری سوم (مثلاً کشوری در اروپای غربی) - اما همچنان که کیسینجر گفت، ایالات متحده همواره به تعهد بازخرید پای‌بند خواهد بود. بنابراین، همچنان که ایران روی کاغذ، حق بازفرآوری سوخت تأمینی آمریکا را به منزله «آخرین امکان» خواهد داشت، هیچ‌گاه آن را عملی نخواهد کرد (NSA, 2009: D23).

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. به:

Documents 23a-b: "We'll Insist on Reprocessing in [the] US"

23 a. Memorandum for the Secretary from Charles W. Robinson, "Nuclear Negotiations with Iran," 13 August 1976, Secret/Nodis

23 b. Memorandum for the Secretary from Charles W. Robinson, "Nuclear Negotiations with Iran," 18 August 1976, Secret/Nodis

از دید تهران، یک اشکال گزینه بازخريد، امکان «ضرر مالی» برای ایران بود. اگر زمانی قیمت اورانیوم غنی شده و پلوتونیوم بالا می‌رفت، قیمت سوخت لازم برای استفاده در رآکتور هم افزایش می‌یافت و اگر ایرانی‌ها داشته‌ها را نگه می‌داشتند، به لحاظ تجاری سود می‌کردند. مطابق شرایط پیشنهادی جدید توافقنامه، ایالات متحده «بابت هر گونه ضرری که نتیجه بازفرآوری سوخت از جانب ما باشد» به ایران خسارت می‌پرداخت. رابینسن، معاون وزیر امور خارجه به کیسینجر گفت: «به نظر او بابت تعهد دادن در مورد "ضرر مالی" هیچ بار مالی عظیمی متوجه ایالات متحده نخواهد بود» (همان).

مسأله بخرنج‌تر، حد «تضمین سفت و سختی» بود که واشنگتن می‌توانست بابت اطمینان از تأمین سوخت هسته‌ای مطابق توافقنامه به ایران بدهد. مثلاً کمیسیون تنظیم مقررات هسته‌ای باید تمام محموله‌های هسته‌ای ارسالی به ایران را جداگانه بازبینی و نظارت می‌کرد و کمیسیون قدرت داشت که جلوی هرگونه صادرات هسته‌ای مغایر با منافع امنیتی ایالات متحده را بگیرد. دولت فورد می‌توانست امکان تغییر رویه کمیسیون تنظیم مقررات هسته‌ای را بررسی کند تا مجوز صادرات فراگیر اقلام مورد تعهد آمریکا را به دست بیاورد، اما موضوعات مرتبط با «سیاست‌ها و نهادها چنان غامض به نظر می‌آمد» که نیاز به تغییرات اساسی در رویه صادرات هسته‌ای بود تا بشود به تعهدات در قبال ایران پایبند ماند (همان).

۱۹۷۶م. سال رقابت‌ها و فعالیت‌های تبلیغاتی انتخابات ریاست‌جمهوری بود و مذاکرات هسته‌ای ایالات متحده با ایران به طور موقت متوقف شد، اگر چه آمریکا کشمکش‌هایی جدی با شاه بر سر قیمت نفت داشت که در ماه نوامبر تشدید هم شد و

احتمالاً این موضوع نیز در توقف مذاکرات مؤثر بود. با این حال، در واپسین روزهای رقابت‌ها، تحولی مهم در سیاست هسته‌ای آمریکا رخ داد: رئیس‌جمهور فورد در واکنش به انتقادات جیمی کارتر - و نیز نگرانی‌های جامعه - بیانیه مهمی در باب سیاست منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای منتشر کرد. در این بیانیه آمده بود: دولت در پیشبرد مذاکرات با ایران استوار است، اما موضع او در برابر مسئله بازفراوری سخت محدود کننده بود: «این کار نباید صورت بگیرد مگر آنکه دلیلی متقن برای باور به قضیه وجود داشته باشد که جامعه جهانی می‌تواند به نحوی مؤثر بر خطراتی که در موضوع گسترش سلاح‌های هسته‌ای همه کشورهای را تهدید می‌کند، فائق بیاید.» برای جلب نظر عمومی در این مورد، فورد صلاهی تغییرات در سیاست هسته‌ای ایالات متحده و همکاری میان کشورهای صادرکننده مواد و تجهیزات هسته‌ای سر داد تا «بیشترین حد ممکن نظارت در مورد انتقال فن‌آوری‌های بازفراوری و غنی‌سازی» میسر شود و از طریق همکاری‌های بین‌المللی بتوان مطمئن بود که علاوه بر دیگر اقدامات، «کشورهای مشتری تجهیزات و مواد هسته‌ای، سوخت کافی برای نیروگاه‌هایشان خواهند داشت» (همان).

### اهداف هسته‌ای محمدرضا پهلوی: توسعه‌ای یا نظامی؟

اظهار نظر در این باره که نیت واقعی شاه از گرایش به صنعت هسته‌ای چه بوده، چندان آسان نیست. مجموعه مدارک و شواهد موجود، اهداف توسعه‌ای شاه را از پیگیری برنامه اتمی برجسته‌تر نشان می‌دهند. یا می‌توان گفت دست‌کم تا پیش از برخی اتفاقات، مانند افزایش ناگهانی قیمت نفت و آزمایش اتمی هند در سال ۱۹۷۴م. دیدگاه شاه در خصوص صنعت هسته‌ای، مانند بسیاری از کشورهای جهان

سوم، مبتنی بر استفاده صلح‌آمیز و افزایش ظرفیت تولید انرژی بوده است، اما به ویژه افزایش قیمت نفت و در پی آن، افزایش ناگهانی درآمدهای کشور، شاه و بسیاری از اطرافیان وی را به رویاهای بلندتری فرو برد. حتی اگر تا پیش از این، نگاه محمدرضا پهلوی به مقوله هسته‌ای اقتصاد محور بود، پس از افزایش درآمدهای کشور، صورت کلان‌تری گرفت. بنا بر شواهدی چند، این میزان سرمایه‌گذاری برای کشوری که تا آن روز محدودیتی در مراوده تجاری با دنیا نداشت، امری ورای اهداف اقتصادی بوده است.

علم در یادداشت‌های خود با اشاره به قراردادها با طرف‌های خارجی برای ساخت نیروگاه اتمی این میزان سرمایه‌گذاری را عجیب دانسته است: «ساختن نیروگاه اتمی که شش برابر گرانتر از نیروگاه حرارتی گازی تمام می‌شد، با هیچ منطقی جور در نمی‌آمد، مگر آنکه فرض شود شاه در اندیشه دسترسی به بمب اتمی بوده است» (یادداشت‌های علم، ۱۳۸۰: ۱۰۷). در این زمینه نشانه دیگری نیز در دست است: در سال‌های واپسین رژیم پهلوی به دستور شاه قرار بود در اصفهان دانشگاهی برای علوم و فنون نظامی با بودجه کافی زیر نظر ارتش برپا شود و به ویژه به پژوهش‌های هسته‌ای و شیمیایی بپردازد؛ حتی گفته شده بود که در صورت لزوم اسرار کشورهای دیگر را برپایند (همان).

مورد دیگر اظهار نظر شاه پس از امضای قرارداد همکاری ایران و فرانسه است، برای غنی‌سازی اورانیوم در فوریه ۱۹۷۴م. شاه در پاسخ به این پرسش خبرنگار روزنامه لوموند که آیا ایران روزی به بمب اتمی دست خواهد یافت، گفت: «بدون شک! زودتر از

آنچه که باور آن می‌رود!». این نظر غافلگیرانه از سوی شاه، نوعی واکنش در برابر آزمایش بمب اتمی هند در سال ۱۹۷۴ م. بود (NSA, 2009: D1a-d).

وقتی شاه به حساسیت اظهار نظر خود پی برد، به سفارت ایران در فرانسه دستور داد در بیانیه‌ای، تمایل ایران به دستیابی به بمب اتمی را بی‌پایه و اساس اعلام کند. سفارت آمریکا در آن زمان در تهران به واشینگتن اطمینان داد که هنوز شاه تصمیمی برای ترک آن پی تی و ساخت بمب اتمی نگرفته است، اما در همان زمان شاه تأکید کرده بود: «اگر کشور دیگری در منطقه به بمب اتمی دست یابد، آن زمان دیگر ما هم همان مسیر را خواهیم رفت» (همان).<sup>۱</sup>

علاوه بر این، بنا بر برخی از دلایل فنی، نیت شاه را در خصوص ساخت سلاح هسته‌ای بیشتر به واقعیت نزدیک می‌کند (علیخانی صدر، ۱۳۸۸: ۹۴).

۱. مرکز تحقیقات اتمی تهران در سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ م. مذاکراتی با دکتر جفری ارکنز، دانشمند مشهور آمریکایی ترتیب داد. او طراح غنی‌سازی با لیزر بود و سرانجام با تأیید وزارت انرژی آمریکا، چهار قطعه لیزری با فعالیت حساس ۱۶ میکرون به ایران تحویل داد. به نظر می‌رسد که ارکنز توانسته بود با القای این مطلب که «بهره‌برداری از این قطعات برای تحقیقات پلاسماست» اهداف اصلی تهران برای

۱. برای مطالعه بیشتر نک: گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، ۱۳۵۷؛ همچنین نگاه کنید به:

Cervenka and Rogers, The nuclear axis: Secret collaboration between West Germany and South Africa, 1978, P332



غنی‌سازی با این روش را در حاشیه نگاه دارد. این قطعات در اکتبر سال ۱۹۷۸م. یعنی چند ماه پیش از سقوط محمدرضا به ایران منتقل شدند.<sup>۱</sup>

۲. حکومت پهلوی برای امضای قرارداد ۷۰۰ میلیون دلاری خرید کنستانتره اورانیوم طبیعی (کیک زرد) مذاکرات گسترده و مخفیانه‌ای را با آفریقای جنوبی آغاز کرد. اسناد محرمانه سال ۱۹۷۶ وزارت امور خارجه نشان می‌دهد که آمریکا از این مذاکرات اطلاع داشته است.

۳. مرکز تحقیقات اتمی تهران با هدف جایگزینی پلوتونیوم به جای اورانیوم کاملاً غنی شده، مطالعات و پژوهش‌هایی را پیرامون تکنولوژی باز فرآوری پیگیری می‌کرد.

از سوی دیگر، شاه مدتی پیش از سقوط به گروهی از دانشمندان ایرانی برای مطالعه در باره سلاح هسته‌ای مأموریت داده بود. با توجه به علاقه خاص محمدرضا پهلوی برای طبقه‌بندی و مجزاسازی اطلاعات، امکان فعالیت محققان به نحوی که از نتایج مطالعات یکدیگر اطلاع نداشته باشند، کاملاً وجود دارد (وزیری، ۱۳۷۸).

با همه این شواهد، اکبر اعتماد رئیس وقت سازمان انرژی اتمی ایران با ذکر خاطره‌ای این موضوع را چندان وارد نمی‌داند. وی در خاطرات خود در صحت کوشش شاه برای دسترسی به بمب اتمی تشکیک کرده است. وی در جلسه توجیهی در خصوص برنامه‌های هسته‌ای مقابل شاه، به طور ضمنی این سؤال را با شاه در میان گذاشت و شاه در پاسخ، پس از تشریح خطراتی که به لحاظ نظامی و امنیتی ایران را

۱. بنا بر نظر جناب آقای علی اصغر سلطانیه که پس از انقلاب اسلامی، ریاست مرکز تحقیقات هسته‌ای را بر عهده داشتند، ایران در این معامله فریب خورده و دستگاه‌های تحویلی ۵ میکرون بوده است و غنی‌سازی لیزری با آنها امکان نداشت.

تهدید می‌کرد، گفت: «در این سیستم من جایی برای اتم نمی‌بینم، برای اینکه اگر تمام کشورهایی که در منطقه ما را محاصره کرده اند بگیریم، افغانستان، پاکستان، شیخ نشین های جنوب، عربستان، عراق و ترکیه؛ اینها هیچ کدام قدرت نظامی شان به اندازه قدرت نظامی که ایران درست کرده و مرتباً آن را تقویت می‌کند، نمی‌شود. بنابراین قدرت نظامی برتر منطقه در دست ایران است و ما برای این کشورها نیازی به سلاح اتمی نداریم». در ادامه شاه به بی‌فایده بودن داشتن بمب اتم علیه شوروی اشاره می‌کند: «درمقابل شوروی اگر یک یا دو تا یا ده بمب اتمی بسازیم، در هر صورت بی‌فایده است، یعنی ما نمی‌توانیم در مقابل شوروی با سلاح اتمی از خود دفاع کنیم. بنابراین داشتن بمب اتمی جز اینکه امروز برای ما مزاحمت تولید کند و فشار روی برنامه غیرنظامی مان بگذارد نتیجه‌ای ندارد، ولی فرمودند این وضعی است که امروز وجود دارد. در منطقه اگر ده سال، پانزده سال، بیست سال دیگر این تعادل فعلی به هم بخورد، یعنی ایران احساس کند که برتری نظامییش را دارد از دست می‌دهد- البته شوروی به کنار- مسأله اصلاً یک جور دیگر مطرح می‌شود ... شرایط آن روز را نمی‌دانم، ولی می‌خواهم بگویم آنچه من می‌گویم در قالب وضع موجود درست است، اگر وضع عوض شد، باید روز از نو روزی از نو، باید بنشینیم صحبت بکنیم ببینیم چه راهی باید برویم. حالا آن روز ممکن است بمب اتمی مطرح شود، ممکن است یک چیز دیگر مطرح بشود، من نمی‌دانم. بنابراین فعلاً مطرح نیست و این چنین برنامه‌ای وجود ندارد» (خاطرات اعتماد، ۱۳۹۱: ۶۰).

با این وجود، اعتماد در ادامه به گونه‌ای مبهم از مأموریت خود برای آماده‌سازی فضای صنعتی جهت دستیابی به بمب اتمی سخن می‌گوید: «درست

است که دولت از من فعلاً انرژی می‌خواست و در شرایط موجود شاه در فکر تسلیحات اتمی نبود و هیچ کس هم به من مأموریتی در این زمینه نداده بود، اما زندگی ملت‌ها در یک عکس برداری خلاصه نمی‌شود ... هیچ بعید نبود که روزی شرایط سیاسی و نظامی منطقه تغییرات مهمی یابد و در آن روز ایران خود را ناچار ببیند که به تسلیحات اتمی دست یابد. در آن صورت می‌باید به این نیاز کشور پاسخ داده می‌شد، آن هم در زمانی نسبتاً کوتاه ... آنچه جالب بود، پیشنهاداتی است که برای برنامه تحقیقات خود می‌کردند و دستگاه‌هایی بود که می‌خواستند. به روی خود نمی‌آوردم و به آنها چیزی نمی‌گفتم، اما به آنها امکان می‌دادم که کار خودشان را بکنند. ... همیشه در مغز این برنامه‌های تحقیقی خاص را کنار می‌گذاشتم و می‌دیدم که قطعه‌هایی از یک موزائیک بزرگ به تدریج ایجاد می‌شوند. ... به این ترتیب می‌بینید سازمان انرژی اتمی که برای خود یک رسالت طویل‌مدت احساس می‌کرد، از نیازهای احتمالی آینده غافل نبود، ولی به علل سیاسی سعی داشت که این موضوع از نظر همگان و مخصوصاً خبرنگاران و خبرنگاران داخلی و خارجی محفوظ بماند. ... در هر صورت من دو چیز را جزء وظایف خود نمی‌دانستم: یکی اینکه روی تحقیق سقفی بگذارم و جهش تحقیقاتی را به علل سیاسی غیرموجه خفه کنم. دیگر اینکه به علت محافظه‌کاری، ایران را در آینده از داشتن انتخاب - منظورم دستیابی به سلاح‌های اتمی است - محروم کنم» (افخمی، ۱۳۷۶: فصل ۳).

نتیجه

با وجود آنکه بازگشت به دوران امپراتوری برای کشورهای جهان پس از جنگ جهانی اول به فراموشی سپرده شد، دو پادشاه پهلوی به گونه‌ای تلاش کردند تا در چارچوب سیاسی نظام بین‌الملل در قرن بیستم، قدرت ایران را بازتعریف کنند. محمدرضا شاه پس از رضاشاه، دیدگاهی سیاسی در پیش گرفت که ناظر بر ادعای وی برای تبدیل شدن به پنجمین قدرت بزرگ جهان بود. جدای از غیرواقع بینانه بودن این هدف و عدم تعادل شدید میان سیاست‌های توسعه‌ای شاه و به رغم نارسایی‌های آشکار و مستندی که داشت، نوعی دیدگاه را از قدرت ایران جدید گسترش داد که شاید همراه با درآمد هنگفت نفت می‌توانست دست‌کم اندکی از آن را محقق کند. صرف‌نظر از آنکه نارسایی‌های برنامه توسعه شاه چه بود، آنچه موضوع پژوهش ماست، ابعاد دیدگاه وی از سیاست هسته‌ای و به عنوان یکی از ابزارهای لازم برای تبدیل به یک قدرت بزرگ است.

هنگامی که قدرت شاه تثبیت شد و قدرت مالی ایران چند برابر شد، اعتماد به نفس لازم را به دست آورد و به طور فزاینده به دیدگاه جهانی از نفوذ و منافع ایران روی آورد. افزایش قیمت نفت، سیاست شاه را به الگوی مبتنی بر خودیاری سوق داد تا به پشتوانه درآمدهای هنگفت نفتی، بر ترس‌های خود غلبه کند. شاه نه تنها از اینکه ایران را در زمره کشورهای جهان سوم بدانند، پرهیز داشت، بلکه اساساً برای رهایی از این ورطه و رسیدن به جایگاه یک قدرت بزرگ، سیاست ائتلاف و اتحاد با ابرقدرت جهانی، یعنی ایالات متحده آمریکا را برگزید. در بُعد منطقه‌ای، هسته‌ای شدن هند و پاکستان، مزاحمت‌های عراق و نگرانی از اتحاد کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و تلاش احتمالی این کشورها برای بر هم زدن توازن قدرت در منطقه، بر

ترس شاه از آینده قدرت ایران می‌افزود. در این میان مسائل اقتصادی و کمبود انرژی به عنوان منابع مهم و حتمی برای رشد و توسعه اقتصادی، شاه را به این نتیجه رساند که برای رسیدن به جایگاه پنجمین قدرت برتر جهان، ناگزیر به حرکت به سمت صنایع جدید نظیر پتروشیمی و هسته‌ای است.

از سوی دیگر، متحدان غربی شاه و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا، به دلایلی همچون لزوم تقویت متحدین منطقه‌ای برای مقابله با نفوذ شوروی، تأمین امنیت انرژی و جریان صادرات آن در منطقه خلیج فارس و نیز رهایی از رکود اقتصادی شدید به ویژه در آمریکا، ناگزیر به ایجاد، تشویق و حمایت از جاذبه‌های جدید و پر منفعت نظیر صنعت هسته‌ای در این کشورها بودند. این عوامل سبب گردید تا نگرانی آمریکا از راهبردهای ناشی از گسترش سلاح هسته‌ای به حاشیه رانده شود. مجموع شواهد و مدارکی که امروزه در اختیار ماست، نشان می‌دهد که سخت‌گیری‌ها و مانع‌تراشی‌های موردی در زمینه برخورد با رشد صنایع هسته‌ای ایران دوره پهلوی تا جایی بوده است که به اتحاد میان آمریکا و ایران لطمه وارد نشود.

مرور روند توسعه‌ای صنعت هسته‌ای در ایران دوره پهلوی و محتوای همکاری‌های ایران و غرب در این خصوص، این واقعیت را نمایان می‌سازد که قراردادهای متنوع برای ساخت بیش از ۱۵ نیروگاه اتمی، در نهایت بدون آنکه ایران را به سمت بومی‌سازی این صنعت پیش ببرد، در صورت تحقق، تنها بر حجم وابستگی کشور به غرب می‌افزود. همانگونه که در پژوهش حاضر بررسی شد، غرب حتی در اواخر دوره پهلوی و در اوج اقتدار این رژیم نیز حاضر به قبول شرایط ایران برای تولید و بازفرآوری پلوتونیوم در داخل خاک ایران نشد و چنانچه رژیم به حیات

خود ادامه می‌داد، گرچه صنعت نو و روزآمدی به یاری تأمین انرژی کشور می‌آمد، اما با توجه به عدم نهادسازی و ضعف شدید ساختار و زیرساختار در ایران، تنها به میزان وابستگی کشور افزوده می‌شد. لذا شاید بتوان این عامل را در کنار سایر عوامل ذکر شده، به عنوان دلیل دیگری بر اشتیاق غرب برای همکاری‌های هسته‌ای با ایران در آن دوره برشمرد.

اما در خصوص این پرسش که آیا شاه در پس اهداف توسعه‌ای، به دنبال دستیابی به تسلیحات اتمی بود یا نه، شاید نتوان به صراحت پاسخی ارائه داد. فعالیت هسته‌ای ایران در دوره پهلوی دوم اندکی پیش از انقلاب شروع شد و مجالی برای رشد و توسعه پیدا نکرد. حتی با وجود همکاری‌های کامل کشورهای غربی در این صنعت با ایران، در این مدت هیچیک از تعهدات طرف‌های خارجی برای احداث یا تکمیل نیروگاه‌های اتمی وعده داده شده، عملی نشد تا نتایج تبعی آن نمود پیدا کند. با این حال، شخصیت‌شناسی محمدرضا پهلوی و نیز برخی شواهد و قرائن موجود که از لابلای مصاحبه‌ها و خاطرات رجال پهلوی و نیز واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به دست آمده، حاکی از آن است که احتمالاً افق دید محمدرضا پهلوی در خصوص صنعت هسته‌ای دستیابی به نوعی بازدارندگی هسته‌ای بوده است. می‌توان گفت: این دستیابی لزوماً به معنای ساخت یا در اختیار داشتن بمب اتمی نبوده است، بلکه رسیدن به "نقطه غیرقابل بازگشت" که همان آستانه تولید بمب هسته‌ای بوده (بدون آنکه لزوماً بمبی تولید شود) و نوعی توان بازدارندگی بوجود می‌آورد، از اهداف پنهان و میان‌مدت شخص شاه به عنوان تنها فرد تصمیم‌گیر در سیاست داخلی و خارجی ایران دوره پهلوی بوده است.



## منابع و مأخذ

## کتاب‌ها:

- ازغندی، علیرضا، ۱۳۹۲، *روابط خارجی ایران ۱۳۸۷-۱۳۲۰*، چاپ چهاردهم، تهران: قومس، چاپ چهاردهم
- افخمی، غلامرضا، ۱۳۷۶، *برنامه انرژی اتمی ایران (تلاش‌ها و تنش‌ها)*، مصاحبه با اکبر اعتماد اولین رئیس سازمان انرژی اتمی ایران: بنیاد مطالعات ایران
- برژینسکی، زیگنیو، ۱۳۷۹، *قدرت و اصول؛ خاطرات برژینسکی*، ترجمه: مرضیه ساقیان، تهران: وزارت امور خارجه
- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- رزاقی، ابراهیم، ۱۳۷۶، *اقتصاد ایران*، تهران: نشر نی
- سعیدی، علی اصغر، ۱۳۹۳، *تنها حکمی که شاه برای خودش صادر کرد: شاه و برنامه اتمی ایران در مصاحبه با دکتر رضا نیازمند*، هفته نامه صدا، سری جدید، شماره نهم: نگاه کنید به: <http://www.rasad.org>
- صفایی فراهانی، محسن (مصاحبه‌کننده)، *گفتگوی رضا نیازمند با محسن صفایی فراهانی*، سازمان گسترش صنایع و نوسازی ایران، نگاه کنید به: <http://emsa-iran.ir/>
- عالیخانی، علینقی، ۱۳۸۰، *یادداشت‌های علم*، جلد دوم، تهران: مازیار و معین
- عالیخانی، مهدی، ۱۳۸۴، *شاه و انرژی هسته‌ای - چگونگی آغاز فعالیتهای هسته‌ای ایران*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، نگاه کنید به: <http://www.irdc.ir/fa/content/4966/print.aspx>
- عالیخانی صدر، مهدی، ۱۳۸۸، *سیر تحولات ۵۰ ساله فناوری هسته‌ای در ایران ۱۳۶۶-۱۳۸۶*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- غریب آبادی، کاظم، ۱۳۸۷، *برنامه هسته‌ای ایران، واقعیت‌های اساسی*، تهران: وزارت امور خارجه
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۶، *پرونده هسته‌ای ایران به روایت اسناد*، تهران: وزارت امور خارجه
- فولر، گراهام، ۱۳۸۷، *قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران*، چاپ سوم، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.



کالاهان، پاتریک، ۱۳۸۷، *منطق سیاست خارجی آمریکا*، ترجمه: داود غرایاق زندی و دیگران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

کامل، روح‌الله، ۱۳۸۳، *مقدمه‌ای بر رئالیسم تهاجمی*، ماهنامه نگاه، شماره ۳۸

کردکاری، غلامرضا، ۱۳۹۱، *خاطرات اکبر اعتماد نخستین رئیس سازمان انرژی اتمی ایران*، ویراستار: غلامرضا افخمی، تهران: صفحه سفید

کیسینجر، هنری، ۱۳۸۷، *دیپلماسی*، جلد دوم، چاپ سوم، ترجمه: فاطمه سلطانی یکتا و رضا امینی، تهران: اطلاعات.

مرشایمر، جان، ۱۳۹۰، *تراژدی قدرت‌های بزرگ*، ترجمه: غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: وزارت امور خارجه

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶، *تاریخچه انرژی هسته‌ای ایران و جهان*، تهران: وزارت امور خارجه

نصر، سید ولی‌رضا، ۱۹۸۹، *مصاحبه با آقای مصباح جالینوس*، واشنگتن، بنیاد مطالعات ایران، نگاه کنید به: [www.fis-iran.org](http://www.fis-iran.org)

وزیری، هاله، ۱۳۷۸، *تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای*، ترجمه حیدرعلی بلوچی، فصلنامه امنیت ملی سال اول، شماره ۲

#### نشریات:

*ایران و انرژی هسته‌ای*، ۱۳۸۵، روزنامه جام جم، ویژه نوروژ

خبرگزاری مهر، ۸۳/۳/۲۰، *فعالیت هسته‌ای ایران قبل از انقلاب و برخورد محافل غربی*

سازمان انرژی اتمی ایران، ۸۳/۲/۲۶، *فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تعاملات آن با کشورهای خارجی قبل از انقلاب اسلامی*

علیخانی، مهدی، ۸۴/۱۱/۱۶، *شاه و اتم: چگونگی آغاز فعالیت هسته‌ای ایران*، پایگاه خبری شریف نیوز

- 1- NSA, Document 4:"Minimize Proliferation Risks", Available at: <http://nsarchive.gwu.edu/nukevault/ebb268/>
  - 2- NSA, Documents 19a-b: "Proliferation is Anathema to Iran", Available at: <http://nsarchive.gwu.edu/nukevault/ebb268/>
  - 3- NSA, Document 20:The Iran-West German Agreement, Available at: <http://nsarchive.gwu.edu/nukevault/ebb268/>
  - 4- NSA, Document 21:"Iran Shall Have Full Right to Decide", Available at: <http://nsarchive.gwu.edu/nukevault/ebb268/>
  - 5- NSA, Document 22: "How We Gave the Farm Away"?, Available at: <http://nsarchive.gwu.edu/nukevault/ebb268/>
  - 6- Afkhami, Gholam Reza, The Life and Times of the Shah, English Edition 2009, University of California Press, Brekeley and Los Angeles Presian Edition
  - 7- Milani, Abbas, The Shah's Atomic Dreams, 2010, Foreign Policy, Available at: <http://foreignpolicy.com/2010/12/29/the-shahs-atomic-dreams/>
  - 8- Gibney, James, Iran's Shah Wanted Nukes, Too, MAR 2, 2015, Available at: <http://www.bloombergview.com/articles/2015-03-02/iran-s-shah-wanted-nukes-too>
  - 9- National Security Archive Electronic (NSA) Briefing Book No. 268, U.S.-Iran Nuclear Negotiations in 1970s Featured Shah's Nationalism and U.S. Weapons Worries: Newly Declassified Documents Reveal Remarkable Continuity with Today's U.S.-Iran Nuclear Controversy; January 13, 2009, Edited by William Burr For more information contact William Burr - 202/994-7032 – Available at: <http://nsarchive.gwu.edu/nukevault/ebb268/>
- NSA, Documents 1a-d: The Shah's Statements on Nuclear Weapons: "Without Any Doubt", Available at: <http://nsarchive.gwu.edu/nukevault/ebb268>



